درآینده درمیان شان حکیت کرده منافع سیاسی ببرید.
۱۰ - بر روسها لازم است سلاطین اطریش را تحریک کنند تا ترکها را از اروپا طرد نمایند زمانیکه اتش جنگ وحسادت اطریش با ترکها بالاگرفت بلادرنگ اسلامبول را فتح نمائید بعد اورا به کلاویز شدن بجنگ با اروپا مشغول سازید وحصصی از سرزمین های مسخر شده راکه بمنظور فرو نشاندن به او داده اید، بعد از سپری شدن مدت کوتاه از آنها پس گیرید.
۱۱- روسها باید بکوشند همه مسیحیان ارتودوکس راکه مطیع کلیسا میباشند ودرمجارستان، عثمانی و وسط لهستان متفرق وپراگنده هستند دورخود جمع نمایند تا بمنزلهٔ محور آنها قرار داشته وبوسیله ریاست کلیسائی از برتری عمومی برخوردار وخود را دوست هر دشمن معرفی نمایند.
۱۲- چون روز فرا رسد که اهالی سوئد را پراگنده، ایران را مغلوب، لهستان را مطیع وممالک عثمانی را ضبط ودرتصرف خود درآوردید - آنوقت بر روسها لازم است نیروهای دریای خود را برای حفاظت دریای سیاه ودریای بالتیک درآنجا متمرکز ودیگر قوای نظامی خود را گوش بفرمان آماده بدارند به تعقیب آن نقشه تقسیم امپراطوری دنیا را اولاً یا دولت فرانسه وبعد با دربار«وین» بصورت جداگانه، درپرده ونهانی طرح وبین خود وآنها قسمت کنند، پس اگر یکی ازاین دو دولت مامقصود ما را قبول نمود که این حتمی به نظری اید با کمال مدارا با مملکت که منظور شما را قبول نمود سلوک ورفتار نمائید وبا نهایت کاردانی ومهارت اورا دستخوش خود والت ووسیله اضمحلال ونابودی دیگری که از مقصود، شما سرپیچیده است قرار دهید ودرآخر برای ازمیان بردن -

دولت دیگری که با قیمانده و سرپیچی نموده نزاع و جنگ اغازکنید و در نتیجه تماماً سرزمین خاوری و یا قسمت اعظم اروپا در تصرف روسیه خواهدماند.

۱۲- بر فرض محال که هیچ یک از دو دولت نامبرده تقاضای شمارا قبول نکردند آنوقت بر روسها واجب است که تماماً قدرت شیطانی و فتنه‌انگیزی خود را بکار انداخته چنان آتش نزاع و اختلاف در میان آنها روشن‌کند تا دست وگریبان شده باهم بیاویزند و درنتیجه ضعف وخستگی حتماً دامن گیر یک جانب میشود. دراین وقت بر دولت روس واجب است فرصت اعظم را از دست نداده باهمه نیروی آرتش خودکه از قبل حاضر وآماده جنگ میباشند از هرسو برالمان بتازد ، و درعین‌حال قسمت بزرگ نیروی دریائی خودرا در دریای ازطرف فراهم و سفاین وناوگان مجهزخویش را در دریای مدیترانه ، دریای شمال ودریای بالتیک سوق دهید ، حینکه دو مملکت مغلوب ومسخرشما شدند. بقیه اروپا بدون جنگ وخونریزی به متصرفات شماملحق وبه آسانی باتقیاد شما درمی آیند بالاخرکلیه سرزمین های فرنگستان مفتوح ومسخرشماخواهد شد.

ای برادران مسلمان وای انسانهای جهان آزاد ! انانیکه همواره برای حق آزادی بشر، دموکراسی وعدالت اجتماعی ارزشهای شایسته طبیعت بشری قایل هستید. باری درعمق این نوشته های مختصر فرو روید وعمیق‌شوید که متن وصیت نامه سلطان‌مطلق‌العنان وقت روسیه بنام پطر، اظهارات ونوشته های لینن، گرومیکو ، کاسیگین و دیگر رهبران شوروی یک تابلوی تخیلی نیست بلکه حقیقت مطلق است ، چه ، منشرات خود شورویها ، نشرات

ملل متحد و نشرات نویسندگان جهان آزاد شاهد و مصداق بزرگ آن است ولی متاسفانه که کشورهای جهان اتکا به پیمانهای باهمی و اعتقاد به قوانین و وثیقه های بین الدول و باور داشتن به عباراتیکه روسها در طول تاریخ شصت سال نظام دیکتاتوری خویش با مهارت کامل در لابلای عبارات جالب وطرحهای ریاکارانه تحت عنوان کومک های بی شائبه، همزستی مسالمت امیز بین رژیم های مختلف، احترام متقابله، عدم مداخله در امور داخلی همدیگر، وامثال آن غافلگیر، ودائم بدام امپریالیزم توسعه جوئی شوروی گیر مانده اند.

اظهارات ریاکارانه وکاذب، که در جهان سیاست نادراست چهره های واقعی واندیشه های درونی رهبران شوروی را پنهان نگهداشته وکار را دشوار می سازد.

البته هرکس گاهی دروغ میگوید. بعضی کمتر و سیاست پیشه ها بیشتر ولی سیاست پیشه های غیرکمونست دروغگوئی را فضیلت نمی شناسند واگر دروغ شان فهمیده شد خجالت میکشند. اما روسها چنین نیستند، دروغگوئی روسها از ابداعات کمونیزم نیست بلکه دروغ پروازی روسها چنانچه از دو رو بودن زعماء شوروی بصراحت پیدا است بعنوان یک خصیصه ملی شان فهمیده میشود. عالماً وعامداً خیانت به همکاران ودوستان خود و تعقیب وازار مردم همه میگذارند، تسلیم و رضاء آنها را کافی ندانسته بلکه مشارکت فعال درایجاد وحشت وکشتار را ضرورت می پندارند. از انجا است که هنگام ارزیابی شخصیت زعمای شوروی نباید سوابق شینه آنها را فراموش کرد. اندیشه ها وشیوه های رهبران شوروی را ازلابلای

اوراق تاریخ معاصر وحاضر وگفتار آنها را با اعمال شان که در دو قرن اخیرا نجام وامپراطوری خود را بطرف آسیای مرکزی ، شمالی وشرق وسطی و اروپای شرقی و بالاخره تاخت وتهاجم مسلحانه وگسترده روسیه - شوروی بتاریخ ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ع بر مملکت مستقل وبیطرف مان افغانستان نمود ، میتوان بدقت مطالعه امروز نمائید آنوقت بصراحت درمی یابید که درگفتار وکردار روسها بکدام اندازه تضاد وجود دارد، درجائیکه منافع شوروی تقاضامی نماید از سلب آزادی ، نقض تمامیت ارضی ، حاکمیت ملی وسائرحقوق ملل ومردم ابداً خود داری نه ورزیده ونمی ورزد.روسیه تزاری امپراطوری خود را بطرف آسیای جنوبی ومرکزی بحیث یک سرطان مزمن تا سرحدات افغانستان و دریای آمو پهن وتوسعه داده رفت. همه سرزمین های ازبکستان، ترکمنستان، تاجکستان ، قزاقستان ،خوقند وسمرقند خیوه وبخارا را بشمول مرو وپنجده وازاربایجان ایران بزور برچه اشغال وضمیمهٔ کشور روسیه ساخت. جزائرجاپان، لتویا، لتوانیا واستونیا را با- قسمت از سرزمین های پولند ، فنلند ، چکوسلاویک والمان را به شوروی ملحق ساختند. همه المانها ولهستانی ها را از سرزمین های الحاقی به شوروی ازمسکن وماوای شان بیرون راندند مانند قزاق های افغانی را از پا میراث افغانستان بیرون رانده وبالاخره به ترکیه پناهنده شدند. ماشین نظامی شوروی که بقدرت ومعاونت امریکا وانگلیس در میدان نبرد با هتلرفاتح برآمد در شش مملکت اروپای شرقی مانند لهستان ، چکوسلواکیا المان شرقی، رومانیا ، بلغاریا ومجارستان ستالینست های دست پرورده روسی را برمسند قدرت نشاندند. شورویها قسمتی از سرزمین های

المان را بخود ملحق ساخت و قسمت دیگر را به لهستان بخشید وقسمت سوم را در یوغ اسارت و بندگی خود قرار داده، برلین شرقی پایتخت المان را گروگان نگهداشته است وحکومت المان شرقی که تحت حمایهٔ روسیه بحقارت بسر می برند به هدایت و اوامر کریملین نشین ها دست به اقدامی زد که برای خود شان تحقیرامیز و در تاریخ دنیای بشری بی سابقه بود وعملاً دورا تباع المان شرقی و در قلب شهر برلین دیواری را بلند کرده وتقریباً یکهزار و پنجصد کیلومتر سرحدات المان شرقی وغربی رایا دیوار یاسیم خاردار ویامین گذاری کرده دو برادر المانی را بزور برچه ازهم جدا وممملکت المان بزرگ را دو نصف نمودند.

درسال ۱۹۵۲ع بعد از مرگ ستالین اغتشات واثار تجدید طلبی در کشورهای پشت پرده آهنین بروز کرده رفت چنانچه درسال ۱۹۵۶ شورشها درلهستان وانقلاب تقریباً موفقیت آمیزی در مجارستان روی داداما ـ ماشین نظامی شوروی مردم کشورلهستان ومجارستان را چنانیکه بهمه جهانیان واضح است بشکل خشونت آمیز و وحشیانه کوبید ند وباردیگر باز تانکهای زیادی را به بوداپست فرستادند ناگی و دیگر رهبران مجارستان را دستگیر و ناگی را اعدام نمودند. درسال ۱۹۶۸ء اعتراضات وانتقادات مردم چکوسلواکیا نسبت رویه خشن وظالمانه نیژتینی ستالینست اوج گرفته نیژتینی راجبور کرد از مقام دبیری کل حزب مستعفی ودر مارچ همان سال از پست ریاست جمهوری برکنار و دوبچک جانشین وی شد.

دوبچک طی یکسخن رانی حداکثر دموکراتیزه کردن واحیای حیثیت قربانیان سیاسی دورهٔ سیاه استالین واصلاح اشتباهات گذشته را وعده

داده یک نشریهٔ هفتگی از طرف اتحادیه نویسندگان چکوسلواکی شروع به انتشار کرد و مصرانه روش آزادی طلبانه را اتخاذ نمودند ولی پراودا بلادرنگ چنانیکه امروز در مورد قیام عمومی وجهاد مردم افغانستان اخبار جعلی را پخش کرده می رود ، در خصوص چکوسلوایکی به انتشار اخبار های جعلی پرداخته ، کشف انبارهای پنهانی اسلحه امریکائی ، توطیه های سی. آی. ای را برای سرنگون ساختن دولت چکوسلواکی کذباً به نشر سپرد. داستانهای جعلی وحشت اور وکشف مخاذن اسلحه و فعالیت عمال خرابکارانه المان غربی را انتشار داده نیروهای امپریالستی خارجی و نیروهای ارتجاعی و اصلاح طلب داخلی را با نیروهای امپریالیزم امریکا و انگلیس کذباً همکار و همدست میگفت ، در ۱۴ اوت روزنامهٔ ستاره سرخ ارگان ارتش شوروی به تعقیب پراودا مقالهٔ را بچاپ رسانده ازدیاد تمایلات خصمانه وخطرناك را درکشور دوست چکوسلواکی قابل نگرانی گفت امادگی ارتش شوروی را برای کمك به مردم وکشوردوست چکوسلواکی اعلان کرد ، وبتاریخ ۲۰ اوت همان ماه کمیتهٔ مرکزی حزب کمونست درماسکو تشکیل جلسه داده ودر اخیر شب همان روز نیروهای شوروی و پکت وارسا بدون رومانی به قوماندهٔ کریملین نشینان بخاك چکوسلواکی هجوم اورده باخشونت و وحشت شدید رهبران چکوسلواکی را مورد بحیرمتی قرارداده همه را توقیف و ربودند.

روسها خیمهٔ ملی شان هنوز هم باکمال وقاحت و بیشرمی برای اغفال جهانیان به نشرات کاذب خود ادامه داده ومیگویند چنانیکه بکمك چکوسلواکی شتافت اینك اخیراً نسبت خطر امپریالیزم امریکا ، شونیزم چین وارتجاع

منطقه بتاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۷۹ به کمک مردم کشورمان قطعات محدودی (بیش از یکصد هزار) از قشون سرخ شوروی را داخل خاک افغانستان مستقل، آزاد و بیطرف پیاده نمودند. البته این واقعیت است تا زمانیکه در اثر کودتای ۱۹۷۸ کمونستی موقف عدم انسلاک افغانستان از بین نرفته بود افغانستان یکی از قدیمترین کشورهای بیطرف آسیا بود. و افغانستان موقف بیطرفی عنعنوی خود راکه به مصالح ملی کشورمان تطابق دارد چه در زمان صلح وچه در زمان منازعات وکشیدگی های بین المللی باکمال موفقیت حفظ نموده، و هیچگاه به تحریکات و تبلیغات کشورهای متخاصم علیه یکدیگر درخاک خود اجازه نداده است. افغانستان یک کشور مستقل بود که استقلال، تمامیت ارضی وحاکمیت ملی آن از جانب همه ممالک جهان بالخاصه مملکت های همسایه بجمله شورویها به اساس معاهدات معتبر برسمیت شناخته شده بود و با اتحاد شوروی همسایهٔ بزرگ خود بهترین روابط حسن همجواری و همکاریهای وسیع را درتمام ساحات سیاسی، اقتصادی وفرهنگی دارا بود که این روابط دوستانه ونزدیک ازطرف زمامداران شوروی همواره بحیث بهترین نمونه علایق نیک بین دوکشور همسایه ونمونهٔ همزیستی مسالمت آمیز و همکاری متقابله بین کشورهای دارای نظام های مختلف اجتماعی به جهانیان معرفی میشد.

افغانستان از سالهای متمادی به اینطرف نه تنها با روسهای متجاوز وتوسعه جو روابط حسن همجواری داشت بلکه داؤد صدراعظم وقت ازسال ۱۳۳۴ ش به اینطرف بصورت یکجانبه افغانستان را ازنگاه

نظر نظامی، اقتصادی، فرهنگی، تجارتی و سرمایه گذاریهای یکجانبه روسیه شوروی تابع کمونست ها نموده و مملکت را عملاً در کام سوشل امپریالیزم روسیه فرو برد به این معنیٰ که داؤد در برج عقرب ۱۳۳۴ هـ «۱۹۵۵» لویه جرگه را دائر و تصویب مسلح ساختن اردوی افغانی را با سلاحهای شوروی از لویه جرگه حاصل و متصل آن اردوی کشور را با انواع سلاحهای روسی مسلح ساخت به تعقیب آن صدها نفر مشاورین نظامی شوروی به مملکت وارد و از یکطرف صاحب منصبان خورد و بزرگ اردو را در کورس آ «A» پل محمود خان تحت تربیه گرفتند و از جانب دیگر عدهٔ کثیری از صاحب منصبان خورد و بزرگ اردوی افغانستان بنام اموختن تکتیکهای جنگی و آشنائی با اسلحه شوروی و استعمال آن همه ساله به ماسکو و دیگر شهرهای آن مملکت اعزام و از آنجا با داشتن ایدیالوژی کمونستی به افغانستان برمیگشتند. برعلاوه قرار داد های متعددی از قبیل ترانزیتی، تجارتی عمرانی و نظیر اینها یکی پی دیگر با شورویها عقد و اعمار پروژه های بزرگ مانند پروژه بند و برق و کانال ننگرهار، بند و برق نغلو، سرک کانکریتی تورغوندی، هرات و قندهار، سرک کابل، پلخمری و شیرخان بندر، پل خمری، حیراتان، مزار شریف و شبرغان، شکافتن کوه سالنگ و سه کیلو متر تونل آن، اعمار میدان هوائی بگرام، میدان هوائی شیندند تفحصات گاز و پطرول صفحات شمالی، اعمار فابریکه کود و برق حرارتی مزار، اعمار بند سردی غزنی، استخراج معدن مس عینک لوگر اعمار - پولیتخنیک و تخنیکم، اعمار مکرویان، فابریکهٔ خانه سازی کابل، کارخانه جات جنگلک، اعمار سیلوهای کابل و سیلو پلخمری و امثال آن با

شوروی ها عقد و به آنها سپرده شد. در سال ۱۳۴۵ بولگانین و خروشف از کابل دیدن نمودند و یکصد ملیون دالر را بغرض تحویل مصارف پروژه های چندی به داود قرضه اعتباری دادند .

اقلام عمدهٔ صادراتی مانند پشم، پخته، میوه خشک و تازه، چرمهای خام بزی، گوسفندی، گاوی و اشتری، ابرک، تلک، برایت و امثال اینها بشکل تجارت بارتری به شوروی صادر میگردد. بهمین ترتیب سالانه پیش از یکصد هزار تن سمنت غوری و همه مس وعینک لوگر به شوروی صادر میگردد. همه تولیدات ستروسی و زیتون ولایت ننگرهار به قیمت خیلی نازل به شوروی صادر میگردد. اگر به دیگر مارکیت های جهان صادر گردد یقیناً ده ها ملیون دالر بیشتر بدست خواهد آید. مطالعه و کنترول لیتر صدور گاز بطرف روسیه در دست متخصصین شوروی است و افغانها اصلاً نمیدانند سالانه چه مقدار گاز جانب شوروی صدور می یابد ولی روی ورقه قرارداد - دوصد ملیون «۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰» متر مکعب گاز از قرار فی «۱۰۰۰» هزار متر مکعب ۳۷ دالر درحالیکه قیمت بین المللی فی هزار متر مکعب گاز مبلغ یکصد و شصت «۱۶۰» دالر است به این حساب روسها در هر فی هزار متر مکعب گاز مبلغ یکصد و بیست و سه «۱۲۳» دالر کمتر از نرخ بین المللی گاز به افغانستان می پردازد جمله بیست و چهار ملیون و ششصد هزا «۲۴۶۰۰،۰۰۰» دالر کمتر میدهند. در بدل آن مواد استهلاکی مانند گلوش، گوگرد و امثال آن وارد، و افغانستان مارکیت فروش مال التجاره شوروی گشته است.

فرهنگ افغانی هم بتدریج و بشکل غیر مرئی تحت تاثیر فرهنگ شوروی قرار گرفته اکثراً اولادی وطن که بغرض تحصیل در رشته های خدمات ملکی و نظامی

به شوروی فرستاده میشدند با داشتن ایدیالوژی کمونستی بوطن برگشته سرمایه گذاری ایدیالوژیکی کمونستی سال به سال در افغانستان توسعه یافته وبسرعت پخش شده می رفت . معلمین مؤسسات تعلیمی و اختصاصی مانند پولیتخنیک ، تخنیکم ، مکتب میخانیکی همه روسها و یا تعلیمیافتگان روسیه بودند تدریس زبان روسی بحیث یک مضمون در لیسهٔ حربی ، درمؤسسات علمی پولیتخنیک و امثال اینها قبول شد . کتب ، رساله ها ، مجلات ، اخبار و کتابهای فلسفهٔ مارکسیزم ولینینزم به زبانهای انگلیسی ، روسی ، پشتو ودری بصورت رسمی ومواپدید وزارت اطلاعات و کلتورافغانی وهم ازطرف مشاورین نظامی ، معلمین ، اطبا ، کارکنان سفارت شوروی وغیره تبعه روسی که در پروژه های مختلف مشغول کار بودند بصورت مخفی وعلنی به پیمانه های خیلی گزاف در مملکت توزیع ودرنشروپخش نمودن ایدیالوژی کمونستی مساعی جمیله تجزیه میدادند . خلاصه اینکه سوسیال امپریالیزم شوروی هم ایدیالوژی مارکسیزم لینینزم را سرمایه گذاری می نمود وهم با سرمایه گذاری های یکجانبه خود ، اقتصاد افغانستان را تابع اقتصاد شوروی ساخته همه منابع مالی ، اقتصادی ، تجارتی ، پروژه های بزرگ عمرانی راباارادوی افغانستان دراختیارخود داشت ، و هیچ نوع منازعهٔ ارضی ویا اختلاف سیاسی باافغانستان نداشت . ولی شورویها باداشتن اینهمه امتیازات و همکاریهای وسیع درتمام ساحه های حیاتی و داشتن علایق نیک بازچه گفت ؟ وچرا ؟ بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ ه.ش مطابق ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ع با بیش ازیکصدوده هزار قشون سرخ ، هزارها تانک وزرهپوش ، صدها طیارات میگ جنگی وهلیکوپترهای زرهدار وتوپدار ، سلاحهای کیمیاوی

بسم الله الرحمن الرحیم

تهاجم مسلحانهٔ روسها بر افغانستان

به جهانیان واضح و روشن است که اتحاد شوروی اجتماعی است - سرپوشیده و همه چیز را در ستر و اخفا و تاریکی میگذارند. از آنها آسان نیست، اندیشه ها، شیوه ها و چهره های واقعی زمام داران سوسیال امپریالیزم توسعه جوئی شوروی، که همواره فقر و نیاز را غنا، قهر و استبداد را دموکراسی، بندگی را آزادی، ترور و وحشت را، امنیت قلمداد میکنند شناخت. ولی اگر جراید، اخبار، مجلات و امثال آن نشرات شصت سال - گذشته خود اتحاد شوروی، ورق زده شود، شورویها همواره سیاست خود را در اعلامیه ها به مقابل همه ممالک جهان، برمبنای برابری، حق خود ارادیت، و احترام گذاشتن به احساسات مذهبی اعلان میدارند. شورویها همیشه ظلم و تعدی یک فرد را بر فرد دیگر، وظلم ملت را برملت دیگر ناجائز شمرده. به ازادیهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین به مصؤنیت و تمامیت ارضی دولت ها احترام میگذارند. شورویها به صدها بار

ورد ها نوع سلاحهای ثقیل و خفیف خیلی پیشرفته وامثال آن به کشور مستقل، آزاد و بیطرف مان حمله مسلحانه وگسترده ننمودند ؟ وچرا به بمبارد مانهای خیلی وحشیانه و بی رحمانه و ظالمانه وکشتارهای دسته جمعی زنان، اطفال، پیرمردان و جوانان وتخریب شهرها، دهکده ها، قلعه ها، کلبه ها، قریه جات، حریق خرمن ها و فصل ها. استعمال اسلحه ممنوعه کیمیاوی و بی خانمان ساختن ملیونها نفوس مسلمان و بی دفاع افغانستان ادامه میدهند ؟

فکرمیکنم جواب خیلی واضح و روشن است ولی قبل از آنکه به سوالهای مطروحه فوق جوابی به عرض برسانم اولاً می خواهم بجهانانیکه بحق آزادی انسانها احترام دارند وبرای آزادی خود وآزادی دنیای بشریت رزمیده اند بدون مبالغه وبحیث واقعیت مطلق، چشم دید خود را ذیلاً ایضاح نایم.

ای انانیکه بکرامت انسانی وحق آزادی انسانها از تهیه قلب علاقمند هستید باری از طریق ملل متحد و با کسب مصؤنیت از تهاجم قوای شوروی به افغانستان وارد ودر ۲۹ ولایات مملکت دِه بدِه، قریه به قریه بگردید. ببینید وبشنوید من ایمان وعقیدهٔ را سغ دارم وشما باور خواهیدکرد که من تحت احساسات نرفته ودراین راپور مختصر خود هیچ نوع مبالغه واضافه گوئی ننموده ام. بعد از آنکه روسها با سرمایه گذاری یکجانبهٔ خود اقتصاد افغانستان را تابع اقتصاد شوروی ساخت و به پیمانهٔ کافی دراردو وقشرچیز فهم افغانستان سرمایه گذاری ایدیالوژیکی نمود. دست پرورده های خودرا به سرکردگی داؤد تحریک کرد، ودست به کودتاه بزنند. چون داؤد ازیکطرف درزمان

صدارت خود، هم خود، وهم مملکت را درکام روسیه فرو برده بود و از جانب دیگر در قانون اساسی جدید بنام عضو خاندان سلطنت از فعالیت های سیاسی محروم شده بود از آنجا خود خواهی وجاه طلبی خاص خودش تحریک شده بوسیلهٔ افسران کمونست اردو کودتا نموده رژیم شاهی را ملغا و رژیم جمهوری را اعلان نمود و اکثر اعضاء گروپ پرچم را بحیث معاون صدراعظم، وزیر، معین، والی، ولسوال و امثال اینها در اکثر دوائر مرکزی و ایالتی به کار گماشتند، مانند: جیلانی باختری بحیث وزیر زراعت امروز سفیر در مجارستان، نعمت الله پژواک بحیث وزیر معارف امروز وزیر مشاور، حسن شرق معاون صدراعظم امروز سفیر در دهلی، جلالر وزیر تجارت حالا هم وزیر تجارت، فیض محمد مسعود وزیر داخله، در کابینهٔ ببرک بحیث وزیر سرحدات، محتاط وزیر مخابرات حالا سفیر جاپان پادشاه گل بحیث سفیر، عبدالسلام والی بادغیس حالا سکرتر جنرال سرم میاشت، عبدالهادی مکمل معین وزارت سرحدات حالا سفیر در بغداد سلام خورد رئیس عمومی تجارت خارجی، حالا معین وزارت تجارت، سید عبدالرازق عابدی والی کندوز حالا رئیس تشریفات وزارت خارجه و باز سفیر در ترکیه، شاه محمد دوست قونسل پشاور حالا وزیر خارجه وامثال اینها در وزارتخانه ها، دوائر مرکزی، ولایات ومحلات رسماً مقرر شدند. داؤد در اخیر زمامداری خود بفکر افتاد که در پهلوی کمک ها و سرمایه گذاری شوروی از چین، جاپان، ایران - پاکستان، ممالک عربی وهند هم کمک های اقتصادی مطالبه و دست به تلاشهای چندی زد. روسها نه تنها تلاشهای اخیر داؤد رانه پسندید

بلکه بوسیلهٔ عین افسران کمونست کودتای خونین دیگر رابراه انداخت و قدرت سیاسی را از داؤد غاصب غصب و به گروپ خلق و پرچم - سپرد. متصل صدها نفر مشاورین نظامی وملکی روسیه شوروی به افغانستان وارد ودرهمه دوائر مرکزی و ولایتی دست به کار شدند و هیچ قدمی بدون مشوره وصوابدید مشاورین روسی برداشته نمیشد و نمیشود.

نورمحمد تره کی بحیث رئیس شورای انقلابی و صدراعظم وببرک کارمل بحیث معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم وحفیظ الله امین بحیث وزیرخارجه و معاون صدراعظم و عدهٔ دیگر بحیث اعضاء کابینه اعلان گردیدند.

کمونست ها درتیوری معتقد به اصل عدم تاثیرشخصیت در- تاریخ ولزوم محووحل ان دراجتماع هستند ولی مدیحه گوئی هائیکه درمطبوعات و رادیوهای کشورهای کمونست در وصف شخصیت ها انجام میگرد درهیچ یک از کشورهای غیرکمونست که رژیم شان روی توجه به شخصیت ها بنا شده دیده نمیشود. من بیاد دارم که روزی اخبارکیهان ایرانی داؤد را نسبت داشتن القاب وعناوین زیاد، که خدای بی چون وچرا افغانستان میگفت. ولی زمانیکه خلقی هاوپرچمی ها نورمحمد تره کی راخلاق بزرگ، رهبربزرگ، پیشوای بزرگ، معلم دانا استاد توانا، فیلسوف، نابغه، قهرمان وامثال اینها خطاب میکرد واقعاً القاب خان بهادر های هند وداؤد که خدای بی چون وچرا از یادمی - برآمد. تره کی خود را در بهشت موعودکمونست هاخوابدید و هفتصدو

پنجاه ملیون افغانی را در ترمیم قصر تپه تاجبیگ، مطبخ های خیلی عصری تشنابهای شاهانه و دیگر تزئینات قصر و بفه «۹ کیلومتر» دیوار دور تپه که با وسایل الکترونیکی مجهز بود، مصرف و بهشت موعودی را برای قهرمان تره کی که با حفیظ الله امین ناضر و بیره بود، ساخت و چهارصد و هفتاد هزار قطعه عکس های کلان وخورد تره کی را وزارت اطلاعات و کلتور چاپ و بداخل وخارج توزیع نمود، و برای تجلیل روز تولد دروغین خود «که درکتاب اوسنی لیکوال بینوا برج میزان و شهر میمنه و دربیوگرافی زمان قدرت خود تولد خویش را برج سرطان و سُرکلی ناوه گفته» کیک هشت منزله را فرمایش داده و هزارها خانم و دختر خلقی و پرچمی را با جوانان خلق وپرچم و روسهای متعدد در باغ ارگ دعوت و با صرف ملیونها افغانی شب را در بهشت موعود کمونیزم با عیش ونوش صبح کردند. دندانهای خود را همه طلا و ساعت با قاب و زنجیر طلا بدست میکرد.

تره کی در برج قوس سال ۱۳۵۷ هـ.ش مطابق دسمبر ۱۹۷۸ع به - ماسکو رفت و معاهدهٔ دوستی بیست «۲۰» ساله را با بریژنف امضاء نمود. در مارچ ۱۹۷۹ع، مستبد وخونخوار دیگر بنام حفیظ الله امین مقام صدارت را از تره کی گرفت وخود بحیث صدراعظم اعلان شد در سپتمبر سال ۱۹۷۹ع - زمانیکه تره کی ازجلسهٔ ممالک غیرمنسلک از هوانا به ماسکو و باز به کابل برگشت، امین بر تره کی مشکوک شده، بلادرنگ بعد از فاصلهٔ کوتاه بس دمن بت سرگینی متکاء ماند ونفس وی رابصورت غیرطبعی از آن بت سرگینی بدر آورد. حینکه تره کی چشم های سبز شوروی مانند را ازجهان پوشید -

امین همه قدرت را بیدون رقیب درخود متمرکز ساخته خود را مانند تیتو از تاثیر ماسکو دور فکر میکرد. مگرخبرنه بود که بریژنیف ببرک کارمل و- یاران وی را درکمین نگهداشته اند. مناسبات امین با روسها کوتیره شد و پوزانوف سفیر شوروی ازافغانستان برفت. چون روسهای از مدتهای طولانی به اینطرف بمنظور لشکرکشی به افغانستان و پیشرفت - بطرف اهداف دیگر خود درافغانستان سرمایه گذاری مادی وتیوریکی نموده بود. فلهذا فرصت را غنیمت دانسته ازیک طرف برای ازبین بردن تیتوی ثانی «امین» واز جانب دیگر برای اشغال کامل افغانستان - یکصد وده هزار عسکر تانکدار، زرهدار، با فرقه های که به سلاحهای کیمیاوی مسلح اند به کشور آزاد و مستقل مان پیاده و همه مراکز نظامی و نقاط ستراتیژیکی و مراکز ولایات را بشمول کابل اشغال و ببرک کارمل رابعد از اشغال مملکت وارث تاج وتخت گفته و برای اغفال جهانیان بر کرسی بنشانند.

امّا از تاریخ ۷ ثور سال ۱۳۵۷ هـ.ش که گروه پرچم وخلق به هدایت وحمایت روسها قدرت سیاسی را در نتیجهٔ کودتای خونین غصب وبلا- درنگ معاونین و مشاورین ملکی و نظامی روسیه به مملکت وارد ودست به کار شدند. از همان تاریخ این عمل ضدملی که برهبری روسهای ناخدا صورت گرفت، موجب قیام همگانی وعمومی ملت مسلمان وآزاد منش افغا نستان گردید، ومتصل آن فرزندان دلیر و فدایان راه آزادی وطن برضد کمونست ها وارد میدان نبرد وپیکار شدند. لیکن تره‌کی وامین وکمیته مرکزی آن به هدایت روسهای ملحد مرتکب جرایم وجنایات نابخشودنی

ذیل گردیدند:

۱ــ: کمونست ها در روزهای اول غصب قدرت سیاسی، روحانیون علما، خوانین، ریش سفیدان، استادان، معلمین، صاحب منصبان اردو از خورد و بزرگ، مامورین برحال، مامورین متقاعد، حتی محصلین و متعلمین مکاتب را که مخالف نظام کمونستی بودند یکی بعد دیگر بزندان پلچرخی محبوس و از آنجا هر شب صدها نفر را بیرون کشیده در خندق های عقب قوای ۴ چهار زرهدار و قوای ۱۵ پانزده پلچرخی تیرباران و یا زنده بوسیله بلدوزرها زیر خاک کرده رفتند.

۲ــ: کمونست ها بیش از دو هزار صاحب منصبان اردو، ژاندارم و پولیس را بلا استثنی و بدون اثبات جرم به زندان پلچرخی محبوس و بعد همه آنها را دسته دسته به قتلگاه تیرباران و بخاک سپردند.

۳ــ: بیش از پنجهزار استادان پوهنتون، معلمین لیسه ها، مکاتب متوسطه و ابتدائیه یا کشته شدند یا زندانی گردیدند و یا از مملکت فرار کرده بخارج متواری شدند.

۴ــ: بیش از دو هزار دوکتور و طبیب یا بی رحمانه و بدون اثبات جرم و بدون محکمه کشته شدند یا در زندان بسر می برند و یا از وطن به هجرت مجبور گردیدند.

در مقابل این وحشت و بربریت کمونست ها مبارزات فرزندان اصیل و مسلمان وطن روز بروز منظم تر و موثرتر شده رفت چنانچه مجاهدین در آغاز نبرد توانستند قوت های کمونست ها را در محلات دور دست یکی بعد دیگر متلاشی و مغلوب نموده سلاحهای قابل ملاحظهٔ را از آنها

به غنیمت بردند و همه محلات دورتر از مراکز عمومی را از تسلط خلق وپرچم آزاد و خود مجاهدین تاامروز بر محالات مسلط اند.

۵ــ: در ۲۴ حوت سال اول کودتای کمونستی عدهٔ کثیری از صاحب منصبان و افراد فرقه هرات به ضد کمونست ها قیام مسلحانه نموده و با مجاهدین پیوستند وبیش از ده هزار تفنگ، ماشیندار و دیگر مهمات جنگی را در اختیار مجاهدین گذاشتند. و در هتک حرمتی که در قریهٔ سلما سلیمی مربوط هرات از طرف گروپ پرچم وخلق بوقوع پیوستند و جرقه های آتش آن تا زلی کوتې هرات کشید، روسها سه شبانه روز شهرهرات وقریه جات مجاور آن توسط طیاره های میگ و هلیکوپتر ها که مستقیماً از روسیه پرواز میکرد بشدت هرچه تمامتر بمبارد مان وبیش از چهل هزار نفر زنان، طفلان، پیرمردان وجوانان را به قتل رساندند.

٦ــ: در سال ۱۳۵۸ هـ.ش غند بالاحصار کابل، فرقهٔ ریشخور برضد کمونست ها قیام مسلحانه نموده وغند آسمار کنرها کاملاً وبا همه انواع اسلحه و تجهیزات به مجاهدین پیوستند، به همین ترتیب عدهٔ محدود از مجاهدین سر بکف بروز روشن بالای پُسته های آمنیتی جاده میوند وچنداول حمله برده همه سازمانهای خلقی وپرچمی را با افسران آن کشته وصدها میل تفنگ وماشیندار را به غنیمت بردند ولی تره کی ششصد نفر بی گناه وبی دفاع را از گرد ونواح جادهٔ میوند وچنداول دستگیر وهمه را در قتل گاه تیرباران نمودند.

۷ــ: سوسیال امپریالیزم شوروی بتاریخ ۲۳ دسمبر ۱۹۷۹ع مطابق ۲ جدی ۱۳۵۸ هـ. ش عملاً به اشغال افغانستان اقدام و قوای تانکدار

و زرهدار را با فرقه های که به سلاحهای کیمیاوی مسلح بودند از طریق هوا وزمین به کشور ما وارد و بتاریخ ۲۲ دسمبر بالای قصر تپهٔ تاجبیگ دارالامان که مقر حفیظ الله امین بود از زمین و هوا حمله بردند وبیش از ۳۶ ساعت بین قوای روسیه که با پیشرفته ترین سلاحهای عصری و سلاحهای ممنوعه کیمیاوی مجهز بودند. و گارد محافظ امین چنان پیکار ونبرد شدید دوام داشت که نظیر آن در جبهات جنگ دوم جهانی تصور شده میتواند. چون از یکطرف توازن قوا برابر نه بود و - قوای روسیه ده مرتبه بیشتر از گارد محافظ امین بود واز جانب دیگر دها طیارهٔ مگ و هلیکوپترهای توپدار، محافظین (امین) را توسط بمب های ناپال ، بمب های مسموم کننده و سوزنده خمپاره ها و توپها بشدت هرچه بیشتر بمباردمان کرده رفت تا اینکه اخیرین فرد گارد محو و اجساد همه را خاکستر ساختند. میدانهای هوائی شیندند ، کندهار، بگرام وکابل را با مراکز عمدهٔ نظامی وکابل را دیو اشغال و برکابل مسلط شدند.

۸ــ : بتاریخ ۲۳ حوت سال ۱۳۵۸ هـ.ش مطابق ۲۲ فروری ۱۹۷۸ع اهالی شهرکابل برعلیه تجاوز شورویها مظاهره بزرگی را بر پا نموده وبابلند کردن صداهای الله اکبر در هر طرف شهر راه پیمائی نمودند و شعار میدادند، که روسها از خاک ما برآیند ولی روسهای ناخداودست پروردگان آنها درحدود دو هزار نفر را بشمول متعلمین مکاتب و محصلین پوهنتون بی رحمانه بطور وحشیانه تیر باران وقتل عام نمودند به تعقیب آن شش هزار نفر راکه درانجمله هشتصد نفر شاگردهای خورد سال مکتب شامل بودند درمحبس پلچرخی با وضع خیلی بدی زندانی

شکنجه و معذب نمودند.

۹ —: در اوایل سال ۱۳۵۹ مطابق ۲۱ اپریل ۱۹۷۹ دخترهای لیسهٔ رابعه بلخی بشمول متعلمات لیسه سوریا بشکل اعتراض علیه تجاوز شورویها از لیسه های مذکور برآمده و بشمول شاگردهای دیگر مکاتب مظاهره کنان جانب پوهنتون راه پیمائی نموده شعار داده میگفتند که روسهای متجاوز از کشور ما برایید ولی در باغ پوهنتون درجوار مقبره سید جمال الدین افغانی تیرباران و گلوله باریهای خیلی وحشیانه وظالمانه - کمونست های ناخدا قرارگرفته ناهید قهرمان و سردمدار مظاهرهٔ - عظیم دختران و متعلمین مکاتب را بشمول هشتاد نفر پسر و دختر بشهادت رساندند که بیش از نصف آنها دخترهای مکتب بودند.

۱۰ —: کمونست های ناخدا ده ها نفر را در شهر هرات تخته به پشت - خوابانده بحضور خانم ها و اطفال معصوم شان و دیگر مشاهدین، تانکهای زنجیر دار عولپیکر را بر روی سینه مردم گذشتانده و همه را دسته با خاك وخون خمیر میکردند.

۱۱ —: به تعقیب این حوادث روسیه شوروی برعلاوه صدها طیاره مگ و هلیکوپترهای توپدار و بیش از سه صد طیاره دیو پیکر را برای انتقال قوای پاراشوتی، تانکهای خفیف دربین دره های پرخم وپیچ قله کوها، تپه ها و جاهای صعب العبور و میدانهای وسیع ورساندن دیگر مهمات جنگی و اکمالات نظامی خود درمیدانهای هوائی بگرام کابل، ننگرهار، پکتیا، قندهار، شیندند، مزار وکندوز متمرکز ساخته وبیش از یکصد هزار عسکر تانکدار، زرهدار و فرقه های مربوط به

سلاحهای کیمیاوی را تحت رهبری بیش از دوصد نفر مارشال ها وجنرال-
های ورزیده زبده وکارازموده قوای زمینی وهوائی خود جهت سوق-
یات وعملیات جنگی درکابل وهمه ولایات به کارگماشته وازیکطرف
عساکر شوروی را درنقاط حساس ومراکز مهم نظامی جابجا کرده رفتند
وازجانب دیگر میدانهای جدید طیارات در دشت خیلی مهم مارگوهلمند
سرده وغیره مراکز بشدت اعمار وبه توسعه میدانهای سابقه ومهم
نظامی مانند شیندند، قندهار، مزار، کندوز، بگرام، کابل، ننگرهار
وپکتیا بسرعت ادامه داده ریشه های خودرا درافغانستان عمیق تر
وبرای اهداف جهانگیری خود بحیث ابر قدرت حریف امریکا اماده گی های
خیلی وسیع وهمه جانبه را دربین حصارکوهستانی افغانستان گرفته
می رود. محالات وقریه جات خورد وبزرگ ومنازل نشیمن مردم را
درهمه ولایات کشور به تفصیل ذیل بمباردمان، تخریب ومنهدم-
کرده رفتند؛

۱- : در ولایت کنرها: اسمار، دانگام، بارکام، بریکوت، ویگل، کامدیش
شالکه، ولکه، بیرورک، برگمتال، مروره، سرکانی، نرنگ خاص کنر، نورگل
ودیگر قریه جات ومحالات مربوط ولایت کنرها رابشدت بمباردمان
وهزاران انسان بی دفاع را بشهادت رساندند.

۲- : در ولایت ننگرهار: سرخرود، فتح آباد، گندمک، حصارک، کوزاله
خوگیانی، توره بوره، چپرهار، سرشاهی، اگام وپچیر، کامه، مهمندره
قسمتی از شینوار، بهسود وبعضی حصص دیگر مربوطات ولایت ننگرهار
را دها بار از زمین وهوا توسط بمب های ناپال، بمب های خیلی بزرگ

اعلان نموده و تعهد سپرده اند که در امور داخلی هیچ یک از ممالک جهان هیچگونه مداخله نه نموده برا ستقلال و آزادی دولت ها تعدی و تجاوز نخواهد کرد.

گرومیکو طرحی راکه در خصوص اعلام غیرقابل تجویز بودن مداخله در امور داخلی کشورها و حمایت ازحاکمیت و استقلال آنها در سپتمبر سال ۱۹۶۵ به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد و متعاقباً به اتفاق ارا به تصویب رسید میگوید : مجمع عمومی توجه تمام دولت ها وهمهٔ ملل را به اهمیت جدی اوضاع بین المللی و افزایش تهدید نسبت به صلح جهانی که براثر مداخله ها مسلحانه بعضی کشورها در امور داخلی کشورهای دیگر و تجاوز مستقیم علیه آزادی و استقلال کشورهای مستقل دیگر بعمل آمده جلب نظر مینماید. وگرومیکو اعلام خطر میکند که مداخله مسلحانه بعضی کشورها در امور داخلی کشورهای دیگر در مناطق مختلف زمینه را برای جنگ وازدیاد تشنج درجهان آماده میسازد وحل وفصل مسایل معوقه بین المللی وهمچنین حل وفصل مسالمت آمیز اختلافات بین کشورها را مشکلتر می سازد، و یادآور میشود که منشور ملل متحد اعضاء ملل متحد را مؤظف کرده است که ازتهدید بزور ویا اعمال زور برعلیه تمامیت ارضی ویا استقلال سیاسی هردولت دیگرخود داری کنند، واز هراقدامیکه با اهداف ملل متحد مغایرت داشته باشد اجتناب ورزند. گرومیکو متذکر میشود که منشور ملل متحد اصل برابری استقلال همه کشورهای عضو را اعلام کرده وغیرقابل تجویزبودن هرنوع مداخله در امور داخلی کشورهارا برسمیت شناخته است واصل شناخته شده نه بود که یکی از اصول حقوق بین الملل است ، کراراً بموجب

ومحزب ، توپهای ثقیل و دوراندا خت بصورت خیلی وحشیانه، ظالمانه وبی رحمانه بمباردمان تخریب و منهدم نموده ، هزارها، اطفال، زنان پیرمردان وجوانان را هلاک و همه خرمن ها و حاصلات اهالی مناطق ـ مذکور راتش زده حریق کرده رفتند.

۱۴ـ: درولایت لغمان؛ قریه جات خورد و بزرگ و منازل نشین مردم بی دفاع را هم در درهٔ علیشنگ و هم در درهٔ علینگار و دیگرمربوطات لغمان دها باز توسط طیارات مگ و هلیکوپتر های توپدار بشدت بمبارد- مان نموده دوثلث قریه جات بی دفاع را با خاک یکسان ساخته وهزار ها انسان بی دفاع را هلاک و قسمت اعظم خرمن ها و دیگرحاصلات زراعتی مردم را حریق ساخته رفتند.

۱۵ـ، دراطراف کابل قریه جات سماک شیوه کی، یخ دره ، بهکرامی شینه ، هودخیل ، ده یحی ، قره دشمن خصوصاً دره ها سرسبز وخرم ـ پغمان و قریه جات خورد وبزرگ ، باغها و منازل نشین مردم را درداخل دره ها و دامنهٔ آن چندین مراتبه توسط توپهای ثقیل دوراندا ز ، طیارات مگ و هلیکوپترهای توپدار بشدت هرچه بیشتر بمباردمان تخریب و منهدم ساخته رفتند.

۱۶ـ:درولایت پروان :ـ قلعهٔ مراد بیگ. قریه جات اطراف کاریز میر ، حسین کوت، میربچه کوت، شکردره ،گل دره ،کلکان ، قره باغ ، استالف توپدره ، اطراف چاریکار، جبل السراج ، کوهستان، قریه جات اطراف میدان هوائی بگرام. کوه صافی ،تگاب ونجراب ، درهٔ پنجشیر، درهٔ غوربند و ـ قریه جات نزدیک مرکز بامیان را دها بار از زمین و هواتحت آتش توپهای

ثقیل و طیارات مگ و هلیکوپترها گرفته اکثراً قریه جات را بشمول باغها و منازل رهایش مردم تخریب و منهدم نموده خرمن ها و دیگر حاصلات زراعتی و باغی مردم را حریق و هزارها طفلان ، زنان ، پیرمردان وجوانان بی دفاع را بصورت خیلی وحشیانه هلاک نمودند.

۱۷ــ: در ولایت بغلان: قریه جات مربوط ولسوالی اندراب ، دوشی ، کلگی ، نهرین ، برکه ، دهنه غوری ، بالا دوری ، چشمه شیر ، بغلان جدید وکهنه ، کوکچنار ، جرخشک و امثال اینها بسا قریه های دیگر ولایت بغلان را توپهای ثقیل ، طیارات مگ و هلیکوپترها بشدت بمباردمان واکثر قریه جات را باخاک یکسان ساختند. خرمن ها و حاصلات زراعتی زیادمردم را اتش زده هزارها مردان و زنان ، خوردسالان و کلان سالان رابصورت خیلی وحشیانه ، ظالمانه وبی امان کشته بخاک وخون غلطانده رفتند.

۱۸ــ: درولایت کندوز:- شهرکوچک خان آباد وقریه جات اطراف ان را با چهاردره ، علی آباد ، پل ازقلان ، گورتیپه ، توبره کش ، قلعه زال ، کندهاریها ، ارچی ، شاه روان قریه جات مربوط ولسوالی حضرت امام صاحب وغیره را چندین مراتبه طرف تهاجم وحشیانه توپهای ثقیل وبمباردمان بی امان قرار داده ، بیش از نصف منازل رهایش مردم را تخریب خرمن ها و فصل های زراعتی را حریق و هزارها انسان بی دفاع را هلاک و کشتند.

۱۹ــ: در ولایت تخار:- قریه جات دوطرف دریای تالقان و دریای بنگی اشکمش ، چال ، فرخار ، خوست وفرنگ ، دشت قلعه ، اهی قلعه و روستاق رادها بار بمباردمان منازل رهایش مردم بی دفاع را

منهدم ، فصل ها ، خرمن و حاصلات زراعتی را حریق و هزارها مرد و زن و اطفال بی‌گناه رابصورت وحشیانه کشته بخاك وخون غلطاندند .

۲۰ــ : ولایت بدخشان :ـ تمام سکنه پامیر یا بام دنیای مربوط ولایت بدخشان افغانستان را یا کشتند و یا باز و ربرچه از منازل وخانه هایشان بیرون راندند که عدهٔ از آنها به پاکستان رفتند وعدهٔ دیگر در ترکیه پناه بردند ومنطقهٔ پامیر را بطول بیش از یکصد و پنجاه کیلومتر تا نزدیکهای اشکاشم ضمیمهٔ خاك روسیه ساخت، و دیگر محالات بدخشان رامانند جرم ، بارك ، کشم ، و دیگر قریه جات را بشدت تخریب هزارها انسان را به هلاکت رساندند .

۲۱ــ : درولایت سمنگان :ـ حضرت سلطان ، درهٔ صوف ، صیاد ، کهنه قشلاق خلم وامثال اینها قریه‌جات خورد و بزرگ را بوسیلهٔ توپهای ثقیل ، طیارات مگ و هلیکوپترهای توپدار بشدت بمباردمان وصدها طفل و زن و پیر مردان بی‌دفاع را بشهادت رسانده ، خرمن ها و فصل های مردم راحریق و منازل رهایش‌شان را ویران وتخریب کرده رفتند .

۲۲ــ : درولایت مزارشریف :ـ شولگره ، چمتال ، بلخ ، چمابولك ، دولت آباد چارکنت و دیگر قریه جات را بشدت بمباردمان وصدها انسانهای بی‌دفاع را اعم از اطفال خورد ، زنان وپیر مردان را هلاك و منازل رهایش اهالی را در قریه جات خورد وبزرگ منهدم نموده خرمن ها و حاصلات اهالی‌را آتش زده رفتند .

۲۳ــ : در ولایت جوزجان :ـ مرکز شبرغان ، اقچه ، سنگچارك وقریه جات خورد وبزرگ دورافتاده ولایت مذکور را طرف اتش توپهای ثقیل

و دورزن بمباردمان طیارات مگ و هلیکوپترهای توپدار که مستقیماً از شوروی پرواز میکند قرار داده، عدهٔ کثیری از اهالی بی دفاع را هلاک خانه ها و منازل شان را تخریب وخرمن ها و حاصلات دیگرآنها را حریق و خاکستر ساختند.

۲۴ــ ؛ در ولایت فاریاب :ــ بلچراغ ، میمنه قسماً مرکز فاریاب، پښتون‌کوت اندخوی میمنه ، شیرین تگاب و رحمت آباد و دیگر قریه جات دور و نزدیک ولایت فاریاب راچندین مراتبه بمباردمان و طرف اتش قرارداده صدهاخانه را ویران و صدها انسانهای بی دفاع را بشمول اطفال خورد ـ سال، زنان و پیرمردان هلاک و همه حاصلات وخرمن های اهالی راحریق نموده رفتند.

۲۵ــ ؛ در ولایت بادغیس :ـ قلعهٔ نو، قادس ،آبشار ، بالامرغاب،غورملج کشک کهنه و امثال آن قریه جات اطراف آن را باسنگرهای مجاهدین بوسیله طیارات بمب انداز وهلیکوپترهای توپدار و توپهای ثقیل دورزن چندین مراتبه بمبارد وصدها خانه وکاشانهٔ مردم را ویران و صدهااطفال زنان وپیرمردان بی دفاع رابصورت ظالمانه ووحشیانه هلاک وهمه خرمن های مردم راحریق وخاکستر ساخته رفتند.

۲۶ــ ؛ در ولایت هرات :ـ شهر قهرمان هرات که زمانی مرکز سلاطین باستان بود، شاهد جوی های خون ، شاهدحمام های خون ، شاهد زنده زیر تانکها کردن انسانهای ازاد منش و شاهد قتل عام ها در مساجد،شاهد صدها جرم وجنایات پلید ، و شاهد هتک حرمت ها، بی ستریها، چور و چپاول و غارتگری هاست، تنها درحادثهٔ حوت سال ۱۳۵۷ م.ش بیش

از چهل هزار نفر و بتاریخ ۳ و ۴ و ۵ ثور سال ۱۳۶۲ هـ.ش بیش از چهار هزار انسان در شهر قهرمان هرات و مربوطات آن وجمله بیش از - هفتاد هزار انسان از اغاز کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ به اینطرف درمرکز شهر و مربوطات آن مانند: گذران، رنجیل، سیاوشان، زیارت جاه، گذره، میرداؤد، پشتون زرغون سلما و سلیمی، شکیبان، زنده جان میزك، صوفی کرباس، ازادان، صوفی سلطان، برامان، پل باغ زبیده محله ساروانها، کارته، اوبی، کوهستان، کرخ، قلعهٔ نو وامثال اینها بوسیلهٔ بمباردمان طیارات بم افگن، هلیکوپترکه مستقیماً از خاك شوروی پرواز میکرد و اتش توپهای ثقیل دور زن، خمپاره ها و انواع سلاحهای ممنوعه کیمیاوی بشمول اطفال خورد سال، زنان، پیرمردان وجوانان به قتل رسیده است، صدها قریه جات، باغها وخانه های نشیمن - مردمان بی دفاع ویران و همه خرمن های اهالی راحریق وقسمت اعظم دارائی، زیورات، پول و سامان ولوازم قیمتی خانه های مردم را - چور وچپاول کرده بغارت بردند.

۲۷ـــ: ولایت فراه :- مرکز فراه، بالا بلوك، قلعهٔ کاه، خاك سفید، سرخلب دلارام، گلستان، پرچمن، شینلند، اناردره وامثال اینها قریه جات - ومحالات مربوط فراه نیز شاهد نبردهای خونین، بمباردمان های - وحشیانه و ظالمانه روسها بوده صدها اطفال، زنان و مردان پیر وجوان درنتیجه آتش توپهای ثقیل دورزن و بمباردمان - طیارات مگ به قتل رسیده خانه ها و منازل رهایش مردم را بخاك یکسان ساخته خرمن ها وحاصلات مردم راحریق کرده رفتند.

۲۸ـــ: در ولایت هلمند:- روستاها محالات ولایت هلمند را مانند: کجکی موسی قلعه، نوزاد، سنگین، یخچال، نادعلی، درویشان، جانشین، دیشو وامثال اینها را بوسیلهٔ طیارات مگ جنگی، هلیکوپترهای توپدار، توپهای ثقیل دور زن چندین مراتبه تحت اتش گرفته صدها خانه را ویران و هزارها انسان بی دفاع رابی رحمانه قتل وهمه حاصلات آنها را چندین مراتبه حریق وخاکستر نمودند.

۲۹ـــ: ولایت نیمروز: درطول سه ونیم سال گذشته روسها چندین مراتبه بغرض سرکوبی مجاهدین دلیر وشجاع وطن درکرکی، چخانسور گنگ، زرنج، خوابگاه، میرآباد، چاربرجک ودیگر محالات وقریه جات نیمروز سوقیات وتعرضات گسترده نموده، صدها خانه ومنازل رهایش مردم را بوسیلهٔ بمباردمان طیارات بم افگن، هلیکوپترهای زرهدار وتوپدار وتوپهای ثقیل وخفیف منهدم وهزارها نفر اولاد بی دفاع وطن را هربار کشتار نموده همه حاصلات وخرمن های مردم را حریق ساختند.

۳۰ـــ: درولایت قندهار:- دومین شهر بزرگ افغانستان خوابگاه راد مردان بزرگ مانند: احمد شاه بابا ومیرویس نیکه میباشد. قوای خیلی بزرگ سوسیال امپریالیزم شوروی درمیدان هوائی قندهار ودرقشلهٔ عسکری شهرقندهار متمرکز هستند، گاه گاه دربیرون شهر قندهار مانند ارغنداب، سرده، دهله، ارغستان، میزان، میوند، کشک نخود، پنجوائی، حوض مدت، دامان، کزر، خاکریز وغیره محالات نبردهای خونین بین مجاهدین وقوای خیلی مجهز روسیهٔ درمیگیرد ولی اکثراً- مجاهدین بریک قسمت از شهرقندهار وگاه گاه برهمه شهرکهنهٔ قندها

مسلط شده درکوچه و بازار قندهار جنگهای تن به تن صورت میگیرد، با-
کمال تاسف، که تعادل قوا موجود نیست مجاهدین جز سلاحهای خفیفه دیگر
چیز در اختیار ندارند مگر قوای تانکدار و زرهدار شوروی باپیشرفته
ترین سلاحهای روز و سلاحهای ممنوعه کیمیاوی مجهز بوده بقدرت
تانکهای زرپیوش ها که از طرف طیارات مگ و هلیکوپترهای زرهدار
وتوپدار حمایه و بدرقه میشوند و به لحاظ عدد هم افزونی دارند
از آنجا در میدان نبرد تلفات سنگینی را به مجاهدین وارد و اکثرخانه
ها، قریه جات دور و نزدیک باغها، تاکستانها را تخریب و منهدم نموده
هزارها انسان های بی دفاع را بشمول اطفال خورد سال، زنان، پیر
مردان وجوانان را هلاک حاصلات وخرمن ها را آتش می زنند.

۳۱ــ : در ولایت زابل :- محلات و قریه جات زابل مانند شهرصفا، جلدك
قلات، میزانی، شنکی، ارغنداب، شاجوی، ده چوپان و امثال اینها
بارها از طرف قوائی هوائی وتوپدار روسیه شوروی بشدت هرچه
بیشتر بمبارد مان و هزارها انسانهای بی دفاع اعم از اطفال، زنان
پیر مردان وجوانان بقتل رسیده صدها خانه منهدم و قسمت خرمن ها
وحاصلات مردم را حریق ساخته می روند.

۳۲ــ: در ولایت پکتیکا :- روسها دها بار سوقیات وتطبیقات جنگی را
در قسمت کهتواز ولایت پکتیکا و ارگون انجام داده قریه جات ومحلات
الی الذکر را مانند: شرن، یوسف خیل، یحیی خیل، بکرخیل، جامنی خیل،
معروف خیل، ملک دین، ناوه، مرجانه، وازخواه و امثال اینهارا توسط
طیارات بم افگن هلیکوپترهای زرهدار وتوپهای ثقیل دورزن و

و توپهای خفیف بشدت بمبارد وصدها قریه را بخاك برابر و هزارها انسان بی دفاع راقتل خرمن ها وحاصلات مردم حریق شده می رود.

۴۳ـ ؛ درولایت غزنی:ـ شهرغزنی که خوابگاه سلطان محمود بت شکن است باقریه جات و محالات مربوط آن مانند: مقر، قره باغ، شنکی، گیلان، علم خیل، بازکی، اوبند، موشکی، کنسف، شلگر، گیرو، نانی ، ناخیل، رامك، روضه، ارزو شالیع لغبات و رباط، جفتوی غزنی خولیه عمری، وامثال آنها شاهد جوی های خون، شاهد قتل عام ها، و شاهد تیرباران های دسته جمعی است. روسهای ظالم چنان زنان، اطفال خورد پیر وجوان را قتل عام کردند که خاطرات تلخ وننگین هلاکو، چنگیز و هتلر را از یاد می برد. در قریه رباط غزنی سی وپنج نفر را بنام جرگه از بین قریه بطرف غزنی می اورد ولی هرسی وپنج آنهارا درنزدیکی قریه رامك تیرباران ودریك چاه فرو ریختند.ـ همچنین چهل و هفت نفر دیگر راکه ازخوف گرفتاری درصوف کاریز شلگر پنهان شده بودند همه آنها را توسط بمب های ممنوعهٔ ـ کیمیاوی مسموم وشل دود سیاه ساخته کشتند. درمقر نیز پنجاه نفر زن و دختر که از خوف گرفتاری بداخل صوف کاریز مقر پنهان شده بودند توسط بمب های کیمیاوی در بین صوف کاریز هلاك گردیدند و تمام قریه جات ولسوالی اندر وقریه جات مربوطه مقر راخیلی بشدت توسط طیارات مگ و هلیکوپترها بمبارد کرده اندکه ثلث خانه های اکثر قریه جات بکلی ویران وهزارها اطفال وزنان و پیرمردان راقتل عام ویا تیرباران کرده رفتند. خرمن ها وحاصلات مردم راحریق و هرچه در دست شان

افتاد همه را به غارت بردند.

۳۴—: در ولایت پکتیا.- در ولایت پکتیا قریه جات مموزائی، اوریاخیل استوگن خندق، سرکی، شاهی کوت، سپین تخت، ارمه مربوط ولسوالی زرمت، رود احمدزائی، چلغو، اکثر قریه جات طوطاخیل، زاوی، دره، غلگی و شواک جدران وگاه گاه قسمتی از جاجی و منگل وبعضی حصص چمکنی، صبری، هارون خیل، گربز، نریزه، لالیژه درگی وبعضی حصص دیگر خوست، ارگون، سروبی، سلطانی و امثال اینها شاهد جنگهای خیلی شدید وخونین و شاهد هزار ها جوان، پیرمردان، اطفال و زنان بود که دسته دسته تیر باران و یا در نتیجه بمباردمانهای خیلی وحشیانه بخاک وخون غلطیدند. بسا قریه ها را از طرف شب در روشنی خرمن های حریق شده در زرمت بمباردمان نمودند. درسال ۱۳۵۸ بعد از یک تهاجم سه جانبه سه فرقه از طرف کتواز، غزنی وگردیز بالای زرمت، مردم انجا نسبت که سلاحهای موثر در اختیار نداشتند زرمت را تخلیه و بطرف پاکستان هجرت نمودند و سرابع حاصلات وخرمن های باقیمانده از حریق تحت برفهای زمستان پوسیده وگنده شدند و همچنین (۶۵) نفر بزرگان اقوام مختلف زرمت درسال ۱۳۵۸ دستگیر که تا حال سرنوشت شان معلوم نیست.

۳۵—: درولایت لوگر، که به بیست وپنج کیلومتری جنوب شهر کابل و به امتداد منطقه چهار آسیاب شمالاً وجنوباً به دوطرف دریای لوگر وسرک کابل پکتیا تا چرخ وخروار امتداد دارد شاهد قتل

عام ها . شاهد بمباردمانهای خیلی ظالمانه و وحشیانه و شاهد انهدام قریه جات و جنگل های غلو دو طرف سرک تاپل علم بوده ، روسها هزار ها انسان را بشکل خیلی وحشیانه وظالمانه کشتند . منازل رهایش مردم را منهدم ، خرمن ها و حاصلات زراعتی را حریق ، جنگلها و باغها را از بیخ وبن برکنده همه را تخریب و نابود نمودند . دو ثلث قریه جات چرخ شمزار ، تنگی ، قلعهٔ سردار ، پاتخواب روغنی ، پاتخواب شانه ، برکی اومنی سیدان ، پل علم ، منگوخیل ، کلنگار ، محمد آغه ، تنگی واغجان ، ده نو ، عینک ، زرغون شهر و دها قریه جات دیگر را ویران وبخاک یکسان ساخته اند ، روسها یکصد و پنج نفر را در سال ۱۳۶۱ هـ. ش در صوف کاریز پاتخواب یکجا مسموم و هلاک نمودند . همه انواع بمب های ناپال ، بمب های مصنوعه کیمیاوی ، سوزنده وخفه کننده را درسرتاسر مملکت استعمال و انسانهای بی دفاع را بخاک وخون غلطاندند .

۳۶ — : در ولایت میدان و وردک : قشون شوروی چندین بار در هردو درهٔ زادگاه رادمرد بزرگ غازی محمد جان خان مرحوم حمله برده قریه جات چک وردک ، دی میرداد ، بوم ، سرهنگ ، جغتوی وردک ، شش گاو ، هفت آسیاب ، ملی خیل ، سالار ، سید آباد ، شیخ آباد ، توپ و قریه جات میدان را مثل درانی ، مرخ ، کوت اشرو ، سنگلاخ ، کوتل اونی ، سرچشمه وغیره قریه جات متعدد را تحت آتش توپخانهٔ ثقیل ، توپهای خفیف و بمباردمان طیارات مگ و هلیکوپترهای توپدار قرار داده ، دو ثلث منازل وخانه های رهایش مردم را تخریب وصدها نفر بی دفاع را بشمول اطفال ، زنان ، وپیر مردان هلاک وخرمن ها وحاصلات عامهٔ مردم را حریق وخاکستر ساختند

تصمیمات، واعلامیه های کنفرانسهای باندونگ، بلگراد و قاهره که اعضاء سازمان ملل متحد در آن شرکت داشته اند، مورد تائید قرار داده است و بنا بمراتب فوق مجمع عمومی وظیفهٔ خود میداند:

۱- بار دیگر تائید نماید که هرکشور مستقل و هرملت از حق مسلم آزادی خود، استقلال و دفاع از استقلال خود برخوردار است و این حق باید کاملاً حراست شود.

۲- به تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد توصیه نمایند که بدون انحراف، تعهداتی راکه بموجب منشور ملل متحد به گردن گرفته اند به انجام رسانند.

۳- مصراً خواسته شود تا هرنوع مداخله مسلحانه یا غیرمسلحانه در امور داخلی کشورهای دیگر یا هرنوع اقداماتیکه درجهت خلاف مبارزه برحق ملل برای تحصیل استقلال ملی وآزادی باشد، فوراً متوقف گردد ودرآینده اجازهٔ وقوع آنها داده نشود.

۴- از همه کشورها بخواهد که در روابط بین المللی خود، اصل احترام و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر را تحت هرعنوانی که باشد، اعم ازاقتصادی یا سیاسی، یا اجتماعی رهنمای خود قرار دهند. مجمع عمومی به کشورهائیکه علرغم منشور ملل متحد دست انرا مداخله درامور داخلی کشورهای دیگرشده اند هوشدار میدهدکه با این عمل در برابر همه ملل مسؤلیت بین المللی سنگینی را بدوش گرفته اند.

گرومیکو سال بعد «۱۹۶۶» برای اجرای مفاد اعلامیه فوق الذکر به دبیرکل سازمان ملل متحد فشاری آورد و معتقد بود که مفاد آن از طرف

۳۷ ـــ : روسها در سال ۱۳۵۸ ه.ش بیست و یکنفر(۲۱) از بزرگان قوم جدران را بلا استثنی و بدون اثبات جرم و بدون محکمه در محبس گردیز یکجا تیر باران نمودند .

۳۸ ـــ : روسهای ظالم در برج ثور سال ۱۳۶۲ ه.ش درکارته هرات سی (۳۰) نفررا در داخل مسجد و درحالیکه مشغول ادای نماز فرض بودند یکجا تیر باران و به شهادت رساندند.

۳۹ ـــ : روسهای پلید وملحد در برج ثور سال ۱۳۶۲ ه.ش قریه جاتی را که در بیست وسی کیلومتری شمال شهرکابل واقع اندمانند قلعه مراد بیگ ، کلکان ، شکردره ، گل دره ، قره باغ ومربوط آنها را تا چاریکار توسط بمب های ناپال ، بمب های ممنوعه کیمیاوی سوزنده وخفه کننده برای یک هفته مسلسل وبشدت هرچه بیشتر بمباردمان وصدها خانه ، منزل رهایش و قریه جات را تخریب و منهدم نموده بیش از سه هزار اطفال ، زنان ، پیرمردان وجوانان بی دفاع را ـ هلاک نمودند .

۴۰ ـــ : کمونست ها روی تبعیضات قوی و ملی و روی مخالفت های شخصی وبد بینی های ذات البینی هزارها نفررا در همه ولایات ومراکز بشکل خیلی وحشیانه وبی رحمانه قتل واز بین بردند .

۴۱ ـــ : روسها وکمونست ها برای حفظ موجودیت و ترسی ازمرگ ناگهانی ، نه تنها با از بین بردن مخالفین خود اکتفا نمیکنند بلکه صدها نفر همسنگر ومبارز خویش را یکی بعد دیگر به قتلگاه روانه ساختند وچنان وحشت و ترور را راه انداخته اند وچنان ژاندارم وپولیس

خاد و کی جی بی را بر مقرارات مردمان جمع شده در شهرها مستولی نموده اند که تاریخ روسها بیش از این وحشت و ترور را بیاد - ندارند.

۴۲ـــ: جاسوسی وخبرچینی به نفع پولیس مخفی شوروی بجای فعالیت و درستکاری بهترین راه ترقی است. برادر به برادر، پسر به پدر زن وشوهر نسبت بهم، و مانند خود روسها همه نسبت بهمه مظنون هستند. اعتماد بین افراد یک اجتماع که پایه همکاری صمیمانه و امنیت - است جای خود را بیک سوءظن عمیق که حتی به کودکان هم سرایت کرده خالی نموده است، در نتیجه هرکس به فکرخود و مراقب خودش بوده وصرف یک نوع یگانگی توافق ساختگی وظاهری بین افراد به نظر می- رسد که باطن آن رابد بینی تشکیل داده است. و هرکس که مورد سوءظن مقامات پولیس مخفی قرار گرد سرنوشت بدی درانتظار اوست واگرکسی اظهار نظر وابراز شخصیت کند و بخواهد زیر بار دستورات غلط نرود اخلالگر و مخالف رژیم سوسیالستی شوروی معرفی وسر- نوشت تاریک و مبهمی درانتظار او خواهد بود.

۴۳ـــ: سازمانهای پولیس سیاسی کی جی بی و خاد افکار وعقاید عمومی را تفتیش میکند وکوچکترین مخالفت یا اعتراضی که احتمالاً بر مصالح شورویها وارد آورد، از نظر سازمان کی جی بی و خاد، دور نمانده خاطی راطرف استنطاق، شکنجه، زجر وعذاب قرار داده - زندانی میدارند. وهیچ قدرت دیگری وجود ندارد که از تجاوز وتعدی، ظلم و وحشت و بالاخره لجام گسیختگی روسهای ظالم و-

کمونست های اجیر آنها جلوگیری و یا آن را تعدیل نماید.

۴۴—: هزارها استاد پوهنتونها، داکترها، معلمین، مامورین وزارتخانه و دیگر موسسات دولتی وغیر دولتی، محصلین، متعلمین جوانان وفارغان صنف دوازده «۱۲» و بالاتر از آنها نسبت نظام وظیفه جبری از مملکت فرار نموده و یا درحالاتیکه تحت سلطه روسهانیست متواری وپراگنده شده رفتند، درسال ۱۳۶۱ به هیچ واحدی از فارغان صنف دوازده ذکور اجازه نداد ندکه مافی السابق بعد سپری نمودن امتحان کانکور بغرض کسب تحصیلات عالی به پوهنتون بروند.

۴۵—: سوسیال امپریالیزم شوروی حصص پامیرات مربوط ولایت بدخشان کشورمان راکه بنام بام دنیا یاد میشود به عرض های مختلف وطول بیش از یکصد وپنجاه کیلومتر تانتر دیکی های اشکاشم ازخاک افغانستان جداکرده سرحد افغانستان رادرحصه پامیر با چین بسته وساکنین بومی آن سرزمین را یاکشتند و یا قهراً از منازل و خانه های شان بدور رانده ومنطقهٔ مذکور راضمیمهٔ امپراطوری روسیه ساخت چنانچه عدهٔ از باشندگان آن منطقه به مملکت برادر ما ترکیه بردند.

۴۶—: روسهای اشغالگر وتوسعه جوئی شوروی هرشش ماه یکصد هزار عسکر روسی ومتحدین خودرا باعسکرکیوبائی ها از یکطرف برای سرکوب کردن قیام همگانی وعمومی افغانهای آزادمنش واز جانب دیگر برای کسب تجربیات وتطبیقات جنگی درمیدانهای وسیع، کوهها و دره های کوهستانی وصعب المرور، به افغانستان وارد، وبعد

یک سلسله تطبیقات و عملیات جنگی ، سوقیات و اجرای تکتیکهای مختلف - جنگهای کورلائی و میدانی در ساحهٔ نبرد و پیکار دوباره به روسیه برمیگرداشند و عوض آن یکصد هزار عسکر جوان و تازه دم دیگر را بار دیگر باز برای سرکوب نمردن مبارزین راه آزادی و آموختن تجربیات و تطبیقات جنگی به افغانستان پیاده مینمایند و در طول سه ونیم سال بیش از ششصد هزار عسکر سوسیال امپریالیزم شوروی و متحدین آن آمد و رفت نمودند.

۴۷ـ: روسیه شوروی از روز تجاوز و تخطی خود به کشور آزاد و مستقل مان افغانستان خیلی به عجله به اعمار سنگرهای نظامی قشله های عسکری ، ترسعه میدانهای هوائی همه ولایات کشور واعمار میدانهای جدید هوائی و اعمار میدان هوائی بزرگ در دشت مارگو ولایت هلمند ، وجا بجا نمودن رادار ها ، و قرارگاهای نظامی وامثال اینها فعالیت های خیلی وسیع و دامنه داری را اغاز نموده و هرچه زود ترممکن است یکی بعد دیگر اعمار کرده می روند.

۴۸ـ: روسها از مدت طولانی به اینطرف برای به وجود اوردن یک مملکت جداگانه بنام بلوچستان بوده سعی جمیله بخرچ میدهند تا مناطق بلوچ نشین را از ایران ، افغانستان و پاکستان بجزاساخته یک کشور دیگری را به رهنمائی و حمایت کامل سوسیال امپریالیزم شوروی بنام بلوچستان خلق و چنان زود تر بکمک شان بشتابند مثل که در کابل عروسک های دست نشانده خود ، درمقابل تجاوز خیالی امپریالیزم امریکا ، شوونیزم چین وارتجاع منطقه شتافتند،

و برای برآوردن این منظور شوم و ننگین خود همین الآن با سران چندی از قبایل بلوچ پاکستان در کابل سرگرم طرح ریزی مزاحمت خود در این زمینه هستند.

۴۹ —: قوای سفاک وخونخوار روسیه شوروی که با عصری ترین وپیشرفته ترین سلاحهای روز و سلاحهای کیمیاوی ممنوعه مجهز هستند، از ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ به اینطرف مستقیماً و بصورت خیلی وحشیانه وبی رحمانه سنگرهای فرزندان راه آزادی وبرادران مسلمان وبی دفاع کشورمان رابشدت بمبارد کرده و هر روزصد ها تن بمب های ناپال بمب های کیمیاوی ممنوعه وغیرمجاز، بمب های خفه کننده وبمب های سوزنده را در دهکده ها، قریه جات، منازل رهایش، باغستانها، تاکستانها، مزارع، دره های سرسبزوخرم وجنگل دار ۲۹ ولایات مملکت مان ریختانده می روند، هزار ها خانه، قلعه، منازل رهایش کلبه های نشیمن مردم را بشمول باغها و تاکستانها و مزارع بزرگ تخریب و منهدم کرده بخاک یکسان نمودند. و همه ساله معادل دها ملیون دالر خرمن ها، انواع حاصلات زراعتی، محصولات باغهای میوه دار وتاکستانها را آتش زده حریق وخاکستر ساخته می روند تا مردم با قحط و نیستی روبرو و دست تکدی را به شورویهای دشمن دین و دنیا دراز کنند.

۵۰ —: شوروی ها و دست پرورده های آنها از اغاز کودتا تا امروز در حدود بیش از یک ملیون انسان بی گناه وبی دفاع را بدون جرم وبدون محاکمه بصورت خیلی وحشیانه وظالمانه کشتند و بیش

از پنج ملیون نفوس مملکت در نتیجهٔ بمباردمانهای بی رحمانه و بی امان ، قتل و قتال دسته جمعی ، تیرباران های گروهی ، شکنجه و عذاب های دور از کرامت انسانی به هجرت از وطن مجبور شده ، در پاکستان ، ایران ، ممالک عربی ، اروپا ، امریکا ، افریقا ، و استرلیا - متواری و پراگنده شده با گرسنگی و مشکلات روزمره دست وپنجه هستند از آنجا بیش از دو ثلث زمین های زراعتی وکلیه زمین های للمی مملکت ازکشت و زراعت بازمانده سطح همه انواع حاصلات زراعتی را بشمول تربیه حیوانات اهلی از قبیل گوسفند های گوشتی گوسفند قره قلی وگوسفند های شیری ، گاو های شیری ، گاوهای گوشتی گاوهای قلبه ئی به یک ثلث حاصلات و تولیدات سال ۱۳۵۶ کشور کاهش یافته وصدمه جبران ناپذیری برپیکر اقتصاد راکه مملکت وارد آوردند . مواد ارتزاقی و احتیاجات اولیه انسانها آنچه در وطن تولید می یافت نه تنها قلت یافته . بلکه قحطی خطرناك سایه سیاه و شوم خود را درکشور پهن کرده می رود . تولیدات زراعتی ، صناعتی و تجارت بصورت قطع سیر قهقرائی خود را پیموده . قیمت و نرخهای همه انواع تولیدات داخلی و وارداتی بصورت سرسام آوری بالا می رود ، و زندگانی مردم با قیمانده در مملکت نسبت عدم تناسب عرضه وتقاضا و نسبت به قحطی مطلق به مرگ ویابه ترک وطن تهدید شده می رود . همه سرمایه های ملی ، انسانی ، حیواتی و مادی کشورعزیزمان را روسهای ظالم به باد فنا داده و یا بغاوت - برده رفتند ، وهنوز هم از انهدام انها نمودن ، قتل عام ها ، تیرباران های

دسته جمعی فرزندان مسلمان، آزاده واصیل وطن مان نه تنها دست برنداشته بلکه از هیچ نوع بی احترامی ها، هتک حرمت ها، شکنجه ها عذابها، کشتارهای دسته جمعی، وانفرادی مان، منع نیاورده-بیش ازبیش درپی تخریب وازارماست.

۵۱ : — رهنمائی، تنظیم واداره همه امورخدمات ملکی وفرهنگی،طبی وعملیات نظامی درمملکت بدست کارکنان، مشاورین ملکی ومارشالها وجنرال های روسهای ظالم بوده هیچ یک از عروسکهای دست پرورده آنها صلاحیت اجرای کوچکترین کار وابتکار رانداشته، صرف بنام تظاهر واغفال مردم، دربین دفاتر ویا محفظه هابحیث بت های بی زبان وبی اراده نگهداشته شده اند.

۵۲ : — شورویها خلاف اعلامیه حقوق بشر وخلاف همه مقررات بین-المللی سلاحهای کیمیاوی ممنوع شده را درافغانستان استعمال کرده آزادیهای فردی، کرامت انسانی محوشده همه مردم ازحق حیات، حق مصؤنیت، حق اظهارنظر، حق نشراخبار، حق انتقادمعقول و وارد، حق سفر از مملکت بصورت آزادانه ودلخواه، حق وباز گشت آزادانه مردم بوطن، سلب گردیده، ومردم بصورت مستبدانه به زندان انداخته میشوند ومحبوسین رابی رحمانه شکنجه، معذب وهتک حرمت کرده میروند.

۵۳ : — اولادهای آنانی راکه با دادن یک تضمین بزرگ پولی ویا جایداد غیرمنقول بخارج ازمملکت سفرمینمایند، درگروگان گرفته، وهمواره تحت تعقیب خفیه پولیس قرار داشته، بدون جهت هتک حرمت

ومعذب میشوند.

۵۴:- جایداد منقول وغیرمنقول از قبیل خانه، زمین، باغ، اسهام و- بانکها وموسساتی سهامی، پول نقد در بانکها کلیه تبعه افغانستان راکه از شکنجه وعذاب، زندانی شدن، کشتارهای دسته جمعی وتیرباران های بدون اثبات جرم وگناه وبدون حکم محاکم ذیصلاح وامثال اینها به ممالک پاکستان، ایران، هند، اروپا، امریکا، استرلیا ممالک عربی وغیره جاها هجرت کرده وپناه برده اند، ضبط وغارت کرده بین گروپهای پرچم وخلق تقسیم شده می رود.

۵۵:- همه مردمیکه در شهرها زندگی دارند با منازل رهایش شان شب وروز تحت تعقیب پولیس خفیه، کی جی بی وپولیس سیاسی خاد بوده وبدون جهت وبدون حدث کدام واقعه، صرف بخاطراینکه ارعاً ترس ووحشت را دربین مردم تولید وهمه مردم راازطریق آزار، شکنجه وعذاب به تبعیت وپیروی ازکمونستها به انقیاد مجبور ساخته باشند. در تاریکی شب وگاه گاه در روشنی روزخانه-های مردم را تلاشی وبازرسی کرده همه انواع زیورات پول ودیگر اموال ارزندۀ صاحب خانه را به غارت می برند.

۵۶:- روسها ازیکطرف هزارها جلد کتابهای مارکسستی را به زبان پشتو، دری، انگلیسی وروسی به مملکت وارد وبه قیمت خیلی ها-ناچیز ترزیع وطبقه با سواد را با فلسفه مارکیستی آشنا ساخته می روند وازجانب دیگر عدۀ زیادی از اعضاء حزب توده ایران را برای نوشتن رساله ها وکتب حاوی مطالب مارکیستی به زبان دری

ترتیب وپخش نمودن مضامین، نشرات و تبلیغات زهرآگین استخدام نموده مقالات روزنامه ها، تبلیغات رادیوئی و تیلویزونی را-دوش بدوش مشاورین روسی بغرض مسموم ساختن عمومی وفریب دادن عوام الناس تهیه وتدارک دیده می روند.

۵۷:- روسهای ظالم سعی جمیله بخرچ میدهند تا موجودیت معنوی مان یعنی دین مان معتقدات وارزشهای زندگی اسلامی مان را از بین بردارند به این معنی که ازیکطرف همه ساله مانند سابق ولی به پیمانهٔ خیلی بزرگ تر نسل خیلی جوان وبی دانش کشور را بنام تحصیل در رشته عسکری، وخدمات ملکی، به روسیه اعزام وبعد فاسدشدن با داشتن ایدیالوژی کمونیستی بر میگردانند، وازجانب دیگر در-داخل مانند شهرکابل وجلال آباد وامثال اینها که تا هنوز دروازهٔ موسسات تعلیمی آن بکلی بسته نشده به فرزندان خیلی جوان حتی خورد سالها دروس سیاست کمونیستی را بصورت عام تدریس میدادند. گویا فرهنگ کشورما رابصورت خیلی زننده برای مقاصد شوم خود-یعنی ایجاد ایمان کورکورانه به عظمت وپیروزی کمونیزم شوروی درجهان به کار می برند وروسهای ظالم برعلاوهٔ قدرت ارتش پولیس ژاندارم، وداد گستری، واقتصادی، وسایل تبلیغات رااز کتب ابتدائی گرفته تا روزنامه ها، چاپخانه ها، وسایل طبع وچاپ رادیوها، تیلویژون، سینما ها، تیاترها، ستدیوها، فلمبرداریها سالون های نمایش وغیره وسایل که ممکن است برای اعلام عدم رضایت وانتقاد مورد استفاده قرار گیرد، در ید قدرت خود دارند

فلهذا آنچه را روسها صلاح بدانند، جهت مسموم ساختن عقاید- عمومی، وتجهیز نمودن افکار جوانان با اید یالوژی کمونیستی وفریب دادن مردم، سفارش، وانتشاری دهند، به این ترتیب از یکطرف کمونست ها با در دست داشتن کلیه وسایل متذکره فوق غالباً- موفق خواهند شد، عقاید عمومی نسل جوان را مسموم و فاسد نمایند وازجانب دیگر از فاش شدن خطاها، وجنایات خود جلوگیری وهم خود را بصورت فرشتگان وخدمتگاران بمردم معرفی وفرمان روایی بی بند و بارخود را دوام داده بودند.

۵۸:- شورویها از مسدود شدن چهارشاه راه های ملکت مانند: کابل، ننگرهار، مزارکابل، کابل قندهار و هرات وکابل پکتیا هرآن دارند از آنجا با قوه وقدرت فوق العاده هوائی وقوای تانکدار وزرهدار، از شاه راه های متذکره فوق بدقت محافظت وپاسبانی نموده سعی جمیله بخرچ میدهند، که شاه راه های مذکور را برای همیش باز نگهدارند. زیرا این هراسی موجود است که اگر شاه راهای فوق الذکر مسدود گردند، شورویها قهراً مجبور خواهند بود.

که همه اکمالات همه قطعات عسکری خود را با اکمالات چند نفرعسکر اجیر ببرک از قبیل مهمات جنگی، پطرول ودیزل، خوراکه باب، البسه ودیگر تجهیزات ضروریه نظامی از طریق هوا اکمال نمایند. دراین صورت مصارف اکمالات و انتقالات عسکری بیش از صدچند بالا رفته فشار وضربهٔ قابل ملاحظهٔ بر پیکر اقتصاد شوروی وارد می آید

۵۹:- شوروی ها و رژیم ببرک کارمل از اعتصابات عمومی در

بعضی مراعات نمیشود و بالحن تندی میگفت : این شرایط تحمل ناپذیر است.

همچنین اعلامیهٔ مشترکی راکه جمال ناصر و کاسیگین صدراعظم شوروی در ماه می سال ۱۹۶۶ امضاء نمودند چنین میگوید : استفاده از زور معمول شیوهٔ کولونالیزم است که ازطرف همه ملحدوستان مردود - شمرده شده است وباید به هرنوع مداخله خارجی درامورداخلی کشورها خاتمه داد، و هرنوع اعمال فشار منسوخ گردد.

شورویها درپنجاهمین سالگرد مناسبات سیاسی بین دولتین افغانستان واتحاد شوروی، دوسیه های ارشیف هردو مملکت را ورق زده اکثر معاهدات معتربین دولتین واعلامیه های سران هردو مملکت افغانستان و شوروی رابطور مثال ونمونهٔ ازمناسبات نیک در پنجاه سال بشکل یک کتاب بزبان های دری وروسی چاپ وهزارها نسخهٔ آن راتوزیع وبه اگاهی رسانلند. شوروی ها درسال ۱۹۷۹ درماسکو به مناسبت شصتمین سالگرد برقراری مناسبات سیاسی بین افغانستان و شوروی رساله‌های دیگر رابه لسان پشتو و دری چاپ ودرصفحه اول آن چنین نگاشته‌اند «که درجهان خیلی کم ممالک مانند : افغانستان وشوروی پیدا میشودکه باغرورگفته میتوانندکه ازشصت سال به اینطرف درافق آسمان مناسبات شان هیچ وقت ابرتار وتاریک به مشاهده نرسیده درصلح وصفا بسرمی‌برند»

همچنین شورویها درسال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ کتابهای رابنام شیپورهای میوند، انتقام گیرندگان گندمک، حقیقت دربارهٔ افغانستان وانگلستان بر ضد افغانستان وامثال اینها را درماسکو طبع وهزارها نسخه آن رادرکابل توزیع وانگلستان را دشمن افغانستان معرفی وبا وجود تهاجم مسلحانه

افغانستان سخت در هراس وترس اند زیرا اگر مردم در داخل مملکت دست به اعتصابهای عمومی می زنند وهمه سرویس ها، تکسی ها، لاریها رامتوقف و دکانها را بسته ،مکتب رفتن و دفتر رفتن را تحریم می نمایند و همه و بیش از هروقت دست و پاچه شده قهراً مجبور میگردند باکار و پیکار افغانهای آزادمنش و مسلمان کنار آیند وبی روسها به هر وسیله که ممکن میشود مردم را تطمیع و تحقیق کرده به ملیونها افغانی صرف میکنند تا مردم رااز اعتصابات عمومی منصرف ساخته بروند.

۶۰ :ـــ سوسیال امپریالیزم شوروی ازجنگهای گوریلائی درمراکز ـ ولایات خصوصاً مرکز کابل سخت در هراس برده کمال وحشت ودهشت خودرا بخرچ میدهند تا جنگ رابه سرحدات مملکت برده از مراکز همه ولایات خصوصاً از مرکز کابل بدور نگهدارند تا از یک طرف در کابل نمایندگی های سیاسی مملکت های مقابه درکابل بی خبرمانده وچنان وانمود نمایند که در مملکت جنگ ونزاعی باقی نمانده وضع به حالت نورـ مال برگشته است ، ولی اگرمجاهدین ومبارزین راه آزادی وطن بدون فوت وقت قاطعانه تصمیم میگرند که اولاً عملیات جنگی وگوریلائی خود را تحت هدایت متخصصین وورزیده جنگ وازیک مرکز واحد رهبری تنظیم وبیشترقوت و قدرت جنگی خودرا به همه مرکزهای ولایات خصوصاً درشهرکابل متمرکز می سازند یقیناً کامیابی وموفقیت های بیش ازتخمین نصیب مجاهدین و فرزندان مبارز راه آزادی می ـ خواهد بود .

۶۱ :ـــ روسها درطول تاریخ رشوه دادن را به پیمانهٔ وسیع به کار

بوده همواره انسانهای ضعیف النفس را بشمول بعضی علماء دین بمنظور اغراض شوم خود تطمیع و تحقیق کرده نفاق وتفرقه را در بین مردم انداخته اذهان عامه را مسموم ساخته می روند و همه فرزندان وطن را بنام پښتون ، تاجک ، هزاره ، وزبک ، ترکمن ، بلوچ ، نورستانی وغیره هریکی را از دیگری بیگانه و همه را از هم دور نگهدارند . تا آتش عداوت ونفاق را بخوبی دامن زده بروند . چنانچه درسال ۱۳۶۰ ه.ش به هوا بدید روسها درجریده انیس به این عبارت اعلان و به نشر سپردند که بعد از این اکثریت های بی فرهنگ ، کلتور وفرهنگ اقلیت مارا بطرف زوال ونابودی برده نمیتواند . خوب دقیق شوید کدام یکی از ملیت های اکثریت کشورمان بی فرهنگ است؟ و فرهنگ کدام یکی از دیگر جدا بوده وچیست ؟ یقیناً عنوان نمودن و به نشر سپردن چنین نوشته های زهرآگین فقط برای تفرقه - انداختن دربین فرزندان سرزمین واحد مان افغانستان - است و بس .

نام وزارت سرحدات قبایل را بنام اقوام وقبایل به این منظور تعدیل نموده اند تاهمه اقوام را بنام ، احمد زائی ، نورزائی ، مهمند ، صافی سلیمانخیل ، علیخیل ، جاجی ، منگل ، جدران ، وزیری ، مسعود همچنین هزاره ، ترکمن ، بلوچ ، تاجک وامثال اینها فرزندان کشور واحد ، دین واحد ، کلتور وفرهنگ واحد ما همه افغانها را از هم دور و پارچه پارچه نگهداشته یکی درمقابل دیگری بدشمنی برخاسته دست درگردن هم اندازیم چنانچه همین الآن اختلافات وتفرقه

اندازی در بین رهبران تنظیم های مهاجرین و مجاهدین در پشاور تا سرحد دشمنی پیشرفته و در میدان نبرد جهاد مقدس عوض مقابله با دشمن، برادران مسلم یک دیگر خود راکشته می روند که یکی از آنها با دادن صد ها ملیون افغانی پکتیا را خاموش ساخته از میدان نبرد بیرون نگهدارد ، و دیگری با صد ها ملیون افغانی رشوه دادن اقوام هزاره را خاموش ساخته از میدان جنگ دور نگهدارند، ومعین دیگر کوشش دارد با دادن صدها ملیون رشوه جوانان سربکف ومبارز شمالی، ننگرهاری ، کندهاری ، مزاری و دیگر ولایات رایکی بعد دیگر از میدان جهاد مقدس بدور ساخته وخاموش نگهداشته بروند ومبارزه گرم جهاد آزادی دین ، ناموس و وطن رابتدریج سرد ساخته و بالاخره همه اولاد وطن را پارچه پارچه ، از هم دور و متفرق ساخته ، وخود به فرمان روائی بی بند و بار کمونستی خود که از و زمین و زن را مال مشترک همه میدانند، ادامه داده بروند. ویقیناً این وجیزه که تفرقه انداز وحکومت کن تحقق خواهد یافت.

ای آنانیکه بکرامت انسانی ، بحق آزادی بشر و استقلال خود و دیگران از سهمه قلب احترام میگذارید. همه اعلامیه های زعمای شوروی راکه در ملل متحد، ویا دیگر مجامع بین المللی و یا درزمان دید و بازدید ها از زعمای جهان ،ایراد کرده اند باعصاره و فشرده از مصائبیکه بالای کشورمان افغانستان مستقل وبیطرف وارد اورده مقایسه فرمائید وملاحظه نمائید که چه فسق وفتنه

وفساد وآفت، کذابی ومنافقت، دو روئی و شیطنت، بی رحمی ظلم، تعدی وتجاوز، سفاکی، خونخواری، کشتارها، قتل عام ها تیرباران های دسته جمعی، بمبارد مانهای بی امان، چور وچپاول و غارتگریها، انهدام وتخریب قریه ها و منازل رهایش، حریق نمودن خرمن ها وحاصلات زراعتی، کشتن و فراری شدن، استادان و معلمین، مسدود شدن هزارها مکتب سرتاسر مملکت، محروم شدن ملیونها محصل، متعلمین ومتعلمات، لیسه ها، مکاتب متوسطه، ابتدائیه ودهاتی درکشور، زندانی شدن بی‌چون وچرا، شکنجه وهتک حرمت ها و بالاخره کشتن و هلاکت صدها هزار انسان وهجرت نمودن پنج ملیون انسان به پاکستان، ایران، اروپا، امریکا، ممالک عربی، هند واسترلیا وامثال اینها دها مصیبت دیگر رابنام دوستی شصت ساله باجمله مسلحانه وگسترده خود به افغانستان به ارمغان اورد.

حالا سهل است با داشتن همچو اعمال شخصیت های زعمای شوروی را ارزیابی وباندیشه ها وشیوه های آنها اشنا شویم، همه میدانیم که روسیه شوروی در قرن گذشته ابرقدرتی نه بود وصرف درقطارقوتهای دیگر اروپا بحیث یک قوت بشمار می رفت ولی آنوقت هم درفکر اشغال افغانستان وایران وشبه قارهٔ هند بود لیکن درآن هنگام یک ابرقدرت جهانی مانند انگلستان عصرویکتوریا درمنطقه وجود داشت که هرقدمی راکه روسیه برمیداشت ازطرف انگلستان خنثی میگردید چنانچه وقایع هرات

و پنجیده د ر زمان امیر د وست محمد خان و امیر عبد الرحمن خان شاهد آنست . مگر متاسفانه امروز تنها ابر قدرتیکه در برابر روسیه شو- روی در جهان قرار دارد اضلاع متحده امریکا ست که به فاصله هزارها کیلومتر از افغانستان و ایران دور میباشد . از یکطرف ناتوانی نظامی مملکت اسلامی منطقه و از جانب دیگر دور واقع شدن ، اتازونی و ممالک قدرتمند اروپای غربی وجاپان ، روسیه را در موقع قرار میدهد . که درظرف دو سه روز میتواند صدها هزار عسکر تانکدار زرهدار و فرقه های مسلح به سلاحهای کیمیاوی را در افغانستان پیاده نماید . جلو سوسیال امپریالیزم شوروی بعد از جنگ دوم جهانی که به کمک ومعاونت امریکا در پیکار با هتلر فاتح برامد ، - گرفته نشده در شش مملکت اروپای شرقی پولیند ، چکوسلواکی ، - رومانیه ، بلغاریا ، مجارستان والمان شرقی حکومت های دست پرورده خودرا مستقر و قهراً وجبراً ایدیالوژی کمونستی را برآنها تحمیل ، لتوانیا لتویا واستونیا را باجزائر جاپان وقسمتی از خاکهای چکوسلواکی ، پولیند ، فنلیند ، والمان را ضمیمهٔ امپراطوری روسیه نموده ودرطول ۳۸ سال گذشته ماشین نظامی شوروی را به منظور جهان گیری واز پا دراوردن دنیای سرمایه داری بحیث یک ابرقدرت تبارز داد .

این تعرض وتجاوز مسلحانه شورویها به افغانستان درحقیقت- بمنزله تخطی وتجاوز برحریم مادی ومعنوی ملل متحد است .

روسیه شوروی برعلاوه صدها طیاره مگ و هلیکوپترهای زرهدار و توپدار جنگی بیش ازچهارصد طیاره دیوپیکر را برای انتقال

قوای پاراشوتی، تانکهای خفیف دربین دره های پرخم وپیچ . قلعه تپه ها وجاهای صعب المرور، ومیدانهای وسیع ورساندن دیگر مهمات جنگی واکمالات نظامی خود درهمه میدانهای مملکت متمرکزساخته وبیش ازیکصد هزار قوای تانکدار وزرهدار وفرقه های مربوط به سلاحهای کیمیاوی راتحت رهبری بیش از دوصد نفر مارشال ها وجنرال های ورزیده و زبده وکاراز مودهٔ خودجهت سوقیات وعملیات جنگی درکابل وولایات به کارگماسته ازیکطرف عساکرشوروی را درنقاط حساس ومراکز مهم نظامی عوض فکراجیر بیرک جابجا کرده میروند وازجانب دیگرمیدانهای جدید طیارات را با میدانهای سابقه اعمار وتوسعه داده می روند تاریشه های خود را درافغانستان عمیق تر وبرای اهداف اصلی جهانگیری خود بحیث ابرقدرت حریف امریکا - اماده گی های خیلی وسیع وهمه جانبه را دربین حصارکوهستانی افغانستان مستحکم ساخته باشد .

گرچه افغانستان درستراتیژی جهانی شوروی وسیله منحصر به فرداست ولی یگانه راه ووسیله برای رسیدن به اهداف - بزرگتر ودور رس جهانگیری شوروی که ازسمت شرق ونیم قارهٔ هند وپاکستان وکشورهای مجاورآن تاسرحد بهم دست دادن با رژیم های کمونستی جنوب شرق آسیا وازسمت غرب ازطریق ایران ورسیدن بخلیج فارس ودست یابی به منابع سرشار نفت این منطقه ومسدود ساختن جریان انرژی به اروپای غربی وجاپان ودرعین زمان بااشغال بنادرمهم بحرهند، قطع راه های

بحری بین شرق وغرب ، و تسلط برتمام مواصلات حیاتی دنیای غرب میباشد ، وروی همین استدلال یگانه وسیله جلوگیری وخنثی ساختن پلانهای شوم توسعه جریانه و دور رس سوسیال امپریالیزم روس همانا به عقب راندن قوای اشغالگر روسیه و ریشه کن ساختن ایدیالوژی مارکسستی از افغانستان است وبس زیرا چنانیکه قبلاً تذکار داده شد ، هرگاه قوای این هیولای بزرگ وعظیم نظامی روسیه درافغانستان استقرار یابد خیلی بزودی وسهولت افغانستان را باموقعیت سوق الجیشی و اهمیت ژیوپولیتیکی خاصی که دارد بیک مرکز بزرگ عملیات نظامی مبدل ساخته میتواند تا ازآنجا به هرسمتی که خواسته باشد عملیات و پلانهای توسعه جریانه خویش را یکی بعد دیگری عملی وبه کرسی بنشانند. آن وقت درآنطرف حصار کوهستانی که بدور افغانستان مانند یک دیوار فولادین قرار دارند و وسایل خیلی پیشرفته که دراختیار روسهای وحشی وظالم میباشد ، دفاع از دشت های وسیع بلا دفاع که از یک طرف تا سواحل اوقیانوس هند واز جانب دیگر تا سواحل بحیرهٔ عرب وقلزوم امتداد یافته است عملاً دور ازامکان به نظر می آید فلهذا افغانستان اخرین سنگر دفاع جهان آزاد به مقابل پلانهای توسعه جویانه سوسیال امپریالیزم روسیه ظالم به شمار می رود که به هیچ صورت و به هیچ قیمت نباید از دست داده میشود . ونبایست فراموش کرد ، همانطورکه افغانستان ازلحاظ موقعیت جغرافیائی و اهمیت سوق الجیشی درقدم اول مورد تجاوز

مسلحانه بلا موجب روسیه شوروی قرار گرفت ولی در قلم های بخذی و لوکه هدف نهانی شوروی از پا در اوردن دنیای سرمایه داری و تسلط برجهان باشد اما قبل از همه کشورهای ممالک جهان سوم که قسمت اعظم منابع طبی درخاك آنها جا دارد یکی بعد دیگر شکا وصید ترسعه جوئی سوسیال امپریالیز شوروی خواهند شد.
یگانه وسیله که ممالک جهان سوم وجهان آزاد غرب را از غافلگیر شدن بیشتر، فریب وخدعه مزید و به دام افتادن روسیه خونخوار و غدار نجات میتوان داد این است که باید همه ممالک اسلامی جهان سوم وهمه کشورهای ازاد غرب در سایه هوشیاری و بیداری خود بایک اقدام حسبورانه و قاطعانه موقف مشترکه و متحدی برضد تجاوز و توسعه طلبی سوسیال امپریالیزم شوروی اتخاذ واین خرسهای قطبی را بدون قید وشرط با ایدیالوژی آن از افغانستان بعقب برانند.
موقف جهان در برابر قضیه افغانستان خیلی واضح و روشن است زیرا شورای امنیت ملل متحد، چهار مراتبه مجمع عمومی ملل متحد کنفرانسهای ممالک بیطرف. کنفرانسهای ممالک اسلامی و دیگر مجامع بین المللی بارها به اخراج قوای شوروی از افغانستان فیصله های صادر کرده اند ان آنجا نبایست بامذاکرات بی ثمر نمایند. ملل متحد وقت را به نفع واستحکام شورویها در افغانستان از دست داد.
ای برادران مؤمن افغان : بدانید که کشورما در موقعیت که امروز در دنیا دارد هیچ نوع تضمینی ندارد و به هیچ چیز دیگر جز به عقل خود مان و بالاتر از آن به اتحاد و یگانگی خودمان نمیتوان امید واتکاء

داشته باشیم . در مورد وطن ما هدف ما روشن وپیداست و آن عبارت از آزادی کامل کشور ماست . راه مارا بسوی هدف ما، مبارزه پی گیر و پیکار منظم ما ازمرکز واحد رهبری در وحدت نظر و وحدت عمل ما تعین میکند، در راه مبارزهٔ آزادی وطن و جهاد مقدس باید در یک صف واحد و هم آهنگ بجلو رفت ، امروزکه ابر تیره وتار استعمار سوسیال امپریالیزم روسیه بر وطن ابائی ما سایه افگنده و فرزندان مؤمن و اصیل وطن با دشمن ابر قدرت ووحشی دلیرانه در نبرد و پیکار اند ، وجیبه و فریضهٔ ماست که صفوف خود را فشرده تر، وحدت واتفاق همگانی را درجبههٔ متحد ملی نجات افغانستان قوی تر ومستحکم تر سازیم ودر راه منافع ملی ومبارزه آزادی وطن خویش از همه منافع فردی وایدال های شخصی - بگذاریم و همه چیز از آن خود را بشمول جان ومال و اولاد خود را قربان جهاد فی سبیل الله نمائیم . عزت ما، قدرت ما وپیروزی ما در وحدت ماست . این بار اول نیست که ما درطول تاریخ حیات کشور باستانی خود با دشمن وطن درمیدان مصاف می برائیم.کشور باستانی ما بشهادت تاریخ قرون زیادی را در ساحهٔ تجارب حیات بین المللی و مناسبات خویش با ملل شرق وغرب شمال وجنوب سپری نموده ،ابرهای تشبغ ، رعدهای تهدید و تجاوز، صلح و ارامش را در سیر زمان دیده مصائب و الام جنگ وراحت، صلح و امن را میدانیم . ما هر وقت متحد ومتفق بوده وتحت سایهٔ یک لوای وحدت ملی وتحت رهنمائی و رهبری دسته جمعی از یک مرکز واحد

بداخل پلان و نقشه منظماً حرکت کرده ایم همواره موفق وافتخارات کامیابی نصیب ما بود.

خداوند متعال می فرمایند: وجاهدوا باموالکم وانفسکم فی سبیل الله ذالکم خیرٌ لکم إن کنتم تعلمون.

بجان ومال خود در راه خدا جهاد کنید زیرا بخیر شما ست اگر میدانید؛

حضرت پیغمبر ما می فرماید: افضل الناس مومن یجاهد فی سبیل الله بنفسه ماله.

بهترین مومن کسی است که در راه خدا به نفس ومالی خود جهاد کند؛

حدیث پیغمبر ما ست: والذی نفسی بیده لودت ان اقتل فی سبیل الله ثم احی ثم اقتل ثم احی ثم اقتل ثم احی ثم اقتل؛

سوگند است به آن ذاتیکه نفس من در ید قدرت او ست هر آینه دوست دارم که در راه خدای تعالی کشته شوم وبعد از آن زنده شوم و بازکشته شوم وباز زنده گردم و بازکشته شوم وباز زنده شوم و بازکشته شوم.

پیغمبر برحق فرموده است: لیس شیء احب الی الله من قطرتین واثرین قطرد موع من خشیة الله وقطرة دم یهاق فی سبیل الله اما الاثران فاثر فی سبیل الله واثر فی فریضة من فرائض الله تعالی.

دو قطره و دو قدم نزد خدای متعالی خیلی عزیز و مکرم است؛ یک آن قطره اشکی که از ترس خدای بزرگ از چشم مومن بریزد - دوم آن قطرهٔ خونیکه درجهاد فی سبیل الله از بدن انسان بریزد. وازجمله دو قدم قدم اول که نزد خدای متعالی عزیز و مکرم است

را شغال افغانستان، کشتارهای دسته جمعی مردم بی دفاع وتیر بارانهای- وحشیانه وظالمانه بازهم بادیده پارگی فوق العاده روسیه ناضرراد وست افغانستان قلمداد میکند. و در صفحهٔ هفتم رسالهٔ که بمناسبت شصتمین سالگرد مناسبات افغانستان وشوروی بچاپ رسانده اند گفتار لینن را چنین کوُت کرده اند « البته چنین مردمي هستند که فکر میکنند ممکن است در وطن بیگانه انقلاب به فرمایش و یا از طریق موافقه در میان بیاید، اینچنین مردم یا احمق اند یا توطیه ساز، لینن همیشه این را تاکید میکردکه انقلابهانه به اساس موافقه و نه ازطریق فرمایش تحقق یافته نمیتواند بلکه مرحلهٔ عملی شدن انقلاب زمانی بسرمی رسد که دها ملیون مردم یک کشور به این نتیجه برسند که من بعد بدین شیوه زندگی کردن ممکن نیست ».

ودراخیر صفحه نهم رسالهٔ اخیرالذکرچنین به چاپ رسانده اند که در افغانستان انقلاب مستقیماً به ارادهٔ مردم بدون مداخله خارجی- صورت گرفته است اگرمنظور شورویها از انقلاب و قیام عمومی ملی مردم افغانستان برضد کمونیزم و تخطی وتجاوزمسلحانهٔ شورویها باشد راست میگویند، زیرا یقیناً جامعهٔ افغانی بدون مداخله دیگران برای آزادی، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی خود برضد کونست هاوتهاجم مسلحانهٔ شورویها قیام عمومی وانقلاب نموده اند ولی اگر روسهاکودـ تای داوُد وکودتای هفت ثور راکه هرد وبه رهنمائی وحمایت کامل- روسها و بوسیلهٔ اخراً اینکه از روسیه با ایدیالوژی کمونستی برگشته بودند، صورت گرفته. واین کودتا ها را انقلاب می نامند هم گفتار لینن

آن قدم میباشد که مومن بصدق درراه جهاد فی سبیل الله بردارد.
و قدم دوم آن است که در راه ادای فرائض الله تعالی بردارد مانند ادای نماز فرض وادای فریضهٔ حج و غیره.

حدیث برگزیدهٔ پیغمبر ماست: من فصل فی سبیل الله فمات او قتل او وقصه فرسه او بعیره او لدغة هامته اومات علی فرشه بای حتف شاءالله فانه شهید وان له الجنة ط:

کسیکه ازخانه خود به نیت جهاد فی سبیل الله برآمدوبعد در سفر به اجل خود مرد و یاکشته شد ویا اسپ واشتر اورا زدوگردنش راشکست. ویا مار اوراگزید وبمرد به تحقیق او شهید است و جنت نصیب او.

حدیث دیگر پیغمبر برگزیده ماست: من جهز غازیاً فی سبیل الله فقد غزا ومن خلف غازیاً فی اهله فقدغزا:

هرکسیکه شخص دیگری رابغرض رفتن به تطرجهز ساخت به تحقیق خود تجهزکننده هم غازی است. هرکسیکه برای اهل وعیال غازی نفقه تهیه دید وبه آنها معاونت کرد صواب غزارانصیب - میشوند.

خدای عزوجل می فرماید: ولاتقولولمن یقتل فی سبیل الله اموات ج و بل احیاءٌ ولکن لاتشعرون ط.

کسانیکه درراه جهاد فی سبیل الله کشته میشوند آنهارامردگان مگوئید. زیرا آنها زنده اند ولی شما زندگانی حقیق مقام شهادت آنها رانمیدانید.

خدای حکیم و دانا حقیقی می فرماید: وَ شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ ط.

در امور با هم مشوره نمائید وقتیکه درختم مشوره تصمیم گرفتید وعزم نمودید باز بخدای قادر لایزال توکل کنید که خدای متعالی متوکل کنندگان را دوست دارند.

خداوند بزرگ و توانای فرماید: وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله انه هو السمیع العلیم ط:

اگر کفار به صلح میلان کنند شما هم بسوی آن میل نمائید و توکل کنید برخدای بزرگ که خداوند هرآینه شنوا و داناست.

خداوند حکیم ودانا می فرماید: ولعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا ط

به رسیمان وحدت الهی جمعاً ومتحداً چنگ زنید متفرق وبی اتفاق مشوید.

خداوند قهار درآیه کریمه دیگری فرمایند: ولاتکونوا کالذین تفرقوا ط

ای گروه مؤمنان مباشید مانند کسانیکه به نسبت عداوت متفرق شدند.

ای ملت آزادمنش ومسلمان افغانستان ای فرزندان دلیرسر زمین عقاب ها و شاه بازها، هم ما وشما وجهان بشریت امروز به خوبی اگاه و به چشم سرمی بینند که ملت آزاد منش برضد حمله مسلحانه وگسترده شوروی های ظالم قیام عمومی سرتاسری نموده و با وجودآنکه قوای شوروی با پیشرفته ترین سلاحهای روز مجهز بوده باآنهم رزمندگان وجوانان و پیرمردان پیکارجو، جهاد مقدس اسلامی

ومبارزه ارا با ایمان راسخ وخیلی دلیرانه ادامه میدهند وخاطرات شجاعت ، مردانگی ، جنگجوئی ، ایثار وسربازی ، فداکاری وجانبازی را در راه آزادی ننگ و ناموس وطن یکبار دیگر عملاً فراهم آید.

راشیه و هم خود روی خصلت همیشه گی خود دروغ میگویند.

همچنین لینن در سال ۱۹۱۸ می نویسد «که هیچ مارکسیس نمیتواند منکر شود که منافع سوسیالیزم مافوق حق ملتها در تعین سرنوشت شان است».

لینن مردم روسیه را مانند پطرکبیر به غداری تشویق کرده و میگوید که «باید به هرنوع خدعه و فریب و وسایل غیرقانونی وحکومت وکتمان حقیقت متشبث شد».

درپای گفتارهای بلند بالای فوق الذکر رهبران سوسیال امپریالیزم شوروی، اندیشه ها وتوصیه های یک سلطان مطلق العنان روسیه را بنام پطرکبیر سوی وصیت نامه معروف وی که برای اخلاف خویش بمیراث گذاشته وزمامداران شوروی آن را بمنظور سیاست تاریخی توسعه جوئی و گسترش مرزهای خود باستقامت جنوب دستورالعمل امروزی خود قرار داده اند خواندنی و قابل دقت است.

پطرکبیر سلطان مطلق العنان آنوقت روسیه در وصیت نامه معروف خویش، به روسها واخلاف روسی خود چنین توصیه میکند: چون اکثر ملل اروپا پیروفرتوت وروبه ضعف و فساد گذاشته به آسانی میتوان از طرف دولت جوان روس مغلوب وروسیه فرمان روای کل اروپا باشد بشرطیکه روسها هرچه زودتر قدرت نظامی خود را کسب و به توصیه من که ذیلاً برای نسلهای آینده روس بمیراث میگذارم عمل نمایند.

۱ — بر دولت روس واجب است که ارتش را همیشه مانند شمشیرآخته وحاضر بجنگ آماده و تیار باشند تا بدینگونه بجنگ وخون ریزی الفت گیرند

و در زمان صلح همه قدرت و توانائی خود را در راه تهیه و تدارک لوازم، تجهیزات و مهمات جنگی به کار انداخته چنان مستعد و آماده قتال باشند که گوئی در جبههٔ جنگ دست به اسلحه وگوش بفرمان دوخته اند و درحین جنگ چنان قوی و صاحب قدرت نظامی باشند که عنان جنگ وصلح یعنی هر دو را درقبضهٔ اقتدارخود نگهدارند تابرای اعمال نفوذ وبرآوردن ارزوها وامیال توسعه جوئی خویش به حد اعلی آزان استفاده ببرند.

۲— هنگام فرصت مانند صیادی که ازچپ و راست نگران ومتوجه حالت صید میباشد، در تمام امور وسایلی جاریه و روز اروپا و اختلافات ومنازعات اروپایان مداخله نمایند وبویژه درحوادث کشور آلمان که بواسطه قرب وجوار مستقیماً منشاء استفاده ها و فواید بزرگ قرارگیرند.

۳— برای القاء فساد، دشمنی، حسادت وکینه، دائمی واجب است اصول رشوت را در داخل کشور لهستان و دیگر ممالک رواج داده نفاق واختلاف را درمیان آنان انداخته بروید، وبزرگان آن قوم رابه بذل مال واستمالت احوال بطرف خود جلب نمائید حینکه.به این مقصود خود رسیدید آنوقت پادشاه لهستان راان دست پرورده روس انتخاب کنید تاسپاهیان روسیه را برای حمایت وحفاظت خود در داخل آن کشورجای دهند و اگر ازطرف دول مجاور ابرازمخالفت شود فوراً چنین وا نمود کنید که لهستان راباانان تقسیم خواهدکرد، و بدینوسیله آتش فتنه و فسادرا فرد نشانید ولی منتظر نشوید که آنها به شنیدن کلمه «تقسیم» بخواهند مداخله کنند، بدانند و بشکافند وحق خود دانند، سهم وحصهٔ انان

پس از معاملات بخواعطیه بآنان واگذارید.

۴- بر شما روسها واجب است که بر بعضی از کشورهای سوئد - «اسکاندیناوی» استیلا حاصل کنید. واین استیلا وقتی میسر است که دولت روسی بدولت سوئد اعلان جنگ داده واز هرطرف برآن هجوم آورده وآن راازپا درآورید، سپس همت گمارید که القاء فساد و نفاق درمیان مردم سوئد و دنمارک دایماً استوار وانان را از یکدیگر منفور و دور نگهدارید چون ایجاد کینه ونفاق درمیان این دو ملت - ریشه گرفت آنوقت مراقب احوالشان باشید تا این کینه ونفاق همیشه در میان شان برقرار باشد.

۵- بر امپراطوری روس واعقاب اولازم و واجب است که دائماً زوجات راازبنات خاندان ملوک المان انتخاب واختیار کنند تا بمناسبت ارتباط زوجیت باالمان ها نزدیک شده وهمواره در امور داخلی آنها مداخله کرده برای مصالح ومنافع علیاء روسیه از آن سود ببرید.

۶- انگلیس دولتی است که اکثر ابحار را در انحصار واختیار خود دارند. چون درامور دریاداری قدرت بکمالی داشته سود ومنافع خیلی زیادی از طریق کشتی رانی ها نصیب آنها است. از آنجا لازم است نظر دوستی انگلیسها رابخود جلب و روابط حسنه را با آنها برقرار واز دوستی آنها برای ازدیاد نیروی دریائی خود استفادهٔ نهائی نموده دائرهٔ کشتی رانی وقدرت نیروی بحری خویش را چنان وسعت بخشید تا بمراتب از انگلیس بجلو رفته - حاکم ابحار باشید.

۷- بر دولت روس لازم است وقتاً فوقتاً نیروی نظامی و دریائی

خود را از طرف شمال بسواحل دریای بالتیک و از طرف جنوب به سواحل دریای سیاه مستقر سازند .

۸- روسها بایست نزدیک شدن به اسلامبول و هند را فریضهٔ خود بدانند ، زیرا مسلم است هرکس که به اسلامبول دست یابد ممکن است از این راه بر تمام دنیا مستولی شد بنابران بر روسها واجب است جنگهای پی درپی و بی انقطاع با دولت عثمانی و دولت ایران ایجاد و بتدریج در ضبط دریای سیاه بکوشند . کارخانجات کشتی سازی را در بحیرهٔ سیاه برپا کرده قدرت نظامی و استیلای خود را درعین زمان بر دریای بالتیک نیز تقویت بخشد . درهمین موقع فریضهٔ روسها است که اولتر از همه به ضعف و نابودی دولت ایران کوشش و تقلا نموده ، هرقدر زود تر ممکن است خود را به خلیج فارس برسانند و تجارت مشرق زمین را برا نجا بلزگشتانده از یک طرف به هندوستان نزدیک و از جانب دیگر از طلای انگلیس - بی نیاز و از تمام گنجهای دنیا مستغنی میگردید .

۹ — روسیه باید بکوشد با دولت اطریش اتحاد و اتفاق نموده خود را مدافع اتان وانمود و از آنها حفاظت نماید و از طریق این اتحاد ومداخله در اطریش برای نفوذ در المان استفاده نمائید امّا در باطن بجنگ اعصاب کینه و دشمنی اطریش با سائرحکمرانان المان مساعی جمیله را بخرج دهید و درعین زمان المانها را هم در ضدیت و دشمنی با اطریش برانگیزید و سران هریک ازطرفین را وا دارکنید که برای ستیزه با یک دیگر از افراد روس یاری وکومک بخواهند ، در پای این پلان خود را حامی دولتین اطریش والمان قلمداد کرده روسیه را چنان خیرخواه مقاصد انان جلوه دهیدکه

ies No : 44

THE RUSSIAN INVASION ON AFGHANISTAN

by -

Ghulam Muhaideen "Zermalwall"

Published By

WRITERS UNION OF FREE AFGHANISTAN

WUFA

Copies 2000

Peshawar 1980

الله اکبر

WRITERS UNION OF FREE AFGHANISTAN

WUFA

1985

تهاجم ملحدانه روسها
برافغانستان

نگارش : غلام محی الدین «زرملوال»

جدی
۱۳۶۸

بسلسلهٔ نشرات «وفا»
(٤٤)

تهاجم مسلحانه روس‌ها

بر

افغانستان

نگارش از غلام محی الدین "زرمل وال"

بسم الله الرحمن الرحيم

نشراتی؛

د آزاد افغانستان دلیکوالو ټولنه

آمر مؤسسه: پروفیسر رسول امین

معرفی کتاب

نام کتاب: تهاجم مسلحانه روسها بر افغانستان
نگارش از: غلام محی الدین «زرملوال»
تیراژ ۲۰۰۰ جلد
چاپ : نور محمد «اکبر»
خطاط : خان بهادر «سرچوال»
دچاپ نیټه: